

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۲۴

جمعه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۲، ۱۲ مه ۲۰۲۳

**تجمعات معلمان در ۳۰ شهر
یک رویداد سیاسی مهم**

شهلا دانشفر

روز نوزده اردیبهشت معلمان در سطح سراسری علیه حملات جنایت‌کارانه شیمیایی به مدارس دخترانه، ترور معلم معترض حسین مهدی‌پور در دشتستان سیستان و بلوچستان، سرکوبگری‌های حکومت و دستگیری همکاران خود و برای پیگیری مطالباتشان در سی شهر تجمع کردند. فراخوان تجمعات نوزدهم اردیبهشت معلمان از سوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان داده شده بود که باتوجه به مکان اجتماعی معلمان با استقبال قابل توجهی از سوی تشکل‌های مختلف دانشجویی، کارگران، بازنشستگان و بخش‌های مختلف مردم روبرو شد که بازتاب آن را به‌روشنی در مدیای اجتماعی می‌شد دید.

تجمعات سراسری معلمان در نوزدهم اردیبهشت در دل انقلاب زن زندگی آزادی یک اتفاق مهم سیاسی است.

به‌ویژه موضوعات اعتراض معلمان موضوعات اعتراض همه مردم خصوصاً خانواده‌های دانش‌آموزان است و خواست‌های آنها از جمله خواست تحصیل رایگان و باکیفیت و غیرایدئولوژیک خواست سراسری همه مردم است. با این اعتراضات معلمان تحرک اعتراضی گسترده‌ای در شهرها ایجاد کرده و به انقلاب قدرت بخشیدند. این تجمعات در کنار تجمعات اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی و مخبرات در روزهای هفدهم و هجدهم که تداوم هم دارد نشانگر به خیابان آمدن هر روز بیشتر بخش‌های مختلف کارگری و مردم معترض در اشکالی سازمان‌یافته‌تر و تداوم انقلاب در شکلی متعین‌تر است.

ادامه در صفحه ۲



افزایش شمار اعدام‌ها، "نمایش قدرت پوشالی" حکومت

میلاذ رابعی

صفحه ۳

از جدال قدرت در ترکیه تا فرصتی برای سیاست رادیکال!

محسن ابراهیمی

صفحه ۴

علیه اعدام‌ها به خیابان بیاییم!

حمید تقوایی

صفحه ۶

بودجه‌های نجومی نهادهای مذهبی حکومت!

محمد شکوهی

صفحه ۹

علیه مجازات اعدام

کازم نیک‌خواه

صفحه ۱۱

اطلاعیه‌های حزب در هفته اخیر

صفحه ۱۴

سایر اطلاعیه‌های حزب

صفحه ۱۵

لیست چهارم فراخوان کمک مالی به حزب

صفحه ۱۹

تجمعات معلمان در ۳۰ شهر
از صفحه نخست



شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان قبلاً نیز در برابر ادامه حملات جنایت‌کارانه شیمیایی به مدارس بیانیه داده و فراخوان به تشکیل کمیته‌های مردمی و زنجیره انسانی برای حفاظت از مدارس و دانش‌آموزان را داده بودند. با فراخوان و تجمعات گسترده‌ای که در ۱۹ اردیبهشت انجام گرفت معلمان خود پیش‌تاز مقابله با این حملات شدند و پاسخ محکمی به حکومت داده شد.

از سوی دیگر حکومت اسلامی با تشدید دستگیری‌ها و سرکوبگری‌هایش از سال گذشته تا کنون همواره تلاش کرده است که مبارزات معلمان را که به‌خاطر سابقه مبارزاتی‌شان و جلو آوردن خواست‌های سراسری کل جامعه در قلب مردم قرار دارند عقب بزند. دلیلش نیز این است که جمهوری اسلامی بر جایگاه معلمان در متن اوضاع پر تلاطم جامعه و کشیده‌شدن اوضاع به شرایط کنونی واقف است و قدرت بسیج نیرو و سازماندهی آنان را که در سال گذشته دامنه اعتراضاتشان به دویت شهر کشیده شد، به‌خوبی می‌داند و از آن هراس دارد. از جمله ما شاهد این بودیم که در آستانه روز جهانی کارگر امسال فشارهای امنیتی بر روی معلمان تشدید شد و تعدادی هم دستگیر شدند. به دلیل اینکه در سال گذشته شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان فراخوان دهنده برگزاری اول ماه مه سراسری بود و پاسخ هم گرفت. در مقابل همواره یک عرصه مهم نبرد معلمان مقابله با همین سرکوبگری‌های حکومت بوده است. معلمان همراه با فریاد اعتراضاتشان و خواست‌ها و مطالباتشان، بر آزادی همکاران دربند خود و بسته‌شدن پرونده‌های امنیتی و پایان‌دادن به امنیتی‌کردن مبارزات پای می‌کوبند. از جمله در تجمعات روز نوزده اردیبهشت عکس‌های همکاران زندانی خود را به دست داشتند و شعار معلم زندانی آزاد باید گردد سراسری بود و همه‌جا در دست‌نوشته‌ها و بنرها و فریادهای اعتراضی آنها بازتاب داشت و نیز در جایی مثل کرمانشاه نیز معلمان با شعار "مهدی‌پور، مهدی‌پور، روح‌ت شاد" معلمان به ترور حسین مهدی‌پور در سیستان و بلوچستان اعتراض کردند و علیه حکومت شعار دادند. این چنین است که معلمان نیروی متحد و به سد محکمی علیه سرکوب‌ها تبدیل شده و الگو به دست می‌دهند.

معلمان همچنین یک نیروی اعتراض علیه فقر و تبعیض و اختلاس‌ها و دزدی‌ها هستند و این موضوع اعتراض مردم در انقلاب زن زندگی آزادی است که خود را در شعار "فقر فساد

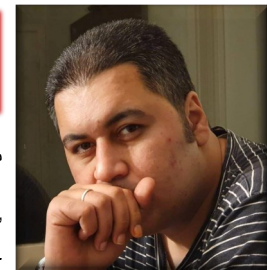
گرونی، میریم تا سرنگونی" بازتاب می‌دهد. معلمان با تأکید بر اینکه حاضر به زندگی در زیر خط فقر و بی‌تامینی نیستیم، همین امروز خواستار اجرای کامل رتبه‌بندی برای معلمان شاغل و همسان‌سازی حقوق‌ها برای معلمان بازنشسته و افزایش حقوق‌ها به بالای سبد هزینه ۲۵ میلیونی هستند و این را بارها تأکید کرده‌اند. بعلاوه اینکه درمان رایگان و داشتن حق مسکن و پایان‌دادن به دزدی‌ها و اختلاس‌ها از جمله به تاراج رفتن بانک ذخیره فرهنگیان از خواست‌های اعلام شده آنها در تجمعات و اعتراضاتشان است. معلمان به حقوق‌های نجومی و تبعیض‌ها و نابرابری‌ها اعتراض دارند و شعارهایی چون "حقوق‌های نجومی، فلاکت عمومی"، "یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" شعارهای نمادین آنها در اعتراضاتشان بوده است.

و بالاخره اینکه در سر سخن قطعنامه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان با تأکید بر نقد مبانی فکری و سیاسی ایدئولوژی حاکم و بازناندیشی انتقادی در شیوه‌های حکمرانی و اداره مدارس خواست تحصیل رایگان و باکیفیت و غیرایدئولوژیک و غیرکالایی بودن آموزش را اعلام کرده‌اند. این تأکید و طرح خواست آموزش غیرایدئولوژیک چالش ارکان پایه‌ای حکومت و تأکیدی بر جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش است. این موضوعات همگی در دست‌نوشته‌های معلمان، شعارهای اعتراضی و قطعنامه پایانی تجمعات ۱۹ اردیبهشت بازتاب داشت و درجه بالای سازماندهی و اتحاد و پیشرو بودن آنان را به نمایش می‌گذارد.

هم‌زمانی تجمعات روز ۱۹ اردیبهشت با سالروز قتل فرزاد کمانگر معلم محبوب و معترضی که در سال ۸۹ به دست حکومت اسلامی به دار آویخته شد، و گرامیداشت یادش کیفرخواستی علیه اعدام او و اعدام‌ها است و این اقدام در شرایطی که حکومت به اعدام‌هایش شدت داده، معنای عمیقی می‌دهد. این چنین است که معلمان در حرکت اعتراضی ۱۹ اردیبهشت صدای اعتراض کل جامعه بودند. هم اکنون گفتمان‌ها در میان معلمان بر سر ادامه این اعتراضات در اشکال گسترده‌تری به‌صورت تحصن و اعتصاب است. باید با تمام قدرت در کنارشان بود و از خواست‌ها و مبارزاتشان وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.*

سرنگون باد حکومت اسلامی!

افزایش شمار اعدام‌ها، "نمایش قدرت پوشالی" حکومت



میلاذ رابعی

شده باشند.

قتل و کشتار و نسل‌کشی اجزای ذاتی حکومت اسلامی هستند و مردم نیز توقع دیگری از این وحوش اسلامی ندارند و علی‌رغم علم به اوج سبیت و توخس رژیم، در مقابلش ایستاده‌اند و برای سرنگونیش مبارزه می‌کنند. همین بیانیه فوق را جمعی از زنانی صادر کرده‌اند که می‌دانند زندانی چگونه حکومتی هستند و خطر اعدام هر لحظه بالای سر تک‌تک آن‌ها چرخ می‌زند.

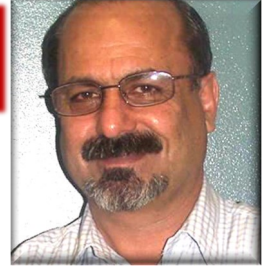
اما علی‌رغم تمام این واقعیات، باید همه‌جانبه علیه اعدام‌ها به میدان آمد. نباید اجازه داد رژیم اسلامی تمام پتانسیل خود در جنایت و آدم‌کشی را به نمایش بگذارد. جنیش‌های اعتراضی گوناگون می‌توانند خواست لغو اعدام‌ها را در رأس خواست‌ها و مطالباتشان قرار دهند. اعتراض به کشتن انسان‌ها باید تبدیل به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تقابل با رژیم اسلامی باشد. در این مورد خود جامعه تا کنون نمونه‌های فراوانی از تجمع مردم مقابل زندان‌ها و اعتراض به احکام اعدام از خود نشان داده است. در خارج از کشور نیز هر اعدام جمهوری اسلامی می‌تواند تبدیل به کیفرخواست جدیدی علیه حکومت باشد. هر یک روز حکومت بیشتر این جانانان، جان چندین انسان دیگر را می‌گیرد. جامعه این را می‌داند و برای جلوگیری از ادامه این کشتار در تلاش است تا خود را و جهانی را از شر این اشرار نجات دهد.*

شش زن زندانی در اوین هشدار دادند جمهوری اسلامی با اعدام شهروندان راه به جایی نخواهد برد. این زندانیان در بیانیه‌ای مشترک افزایش اعدام‌ها در روزهای اخیر را محکوم کردند و آن را تلاش حکومت برای ایجاد وحشت خواندند.

در روزهای اخیر ماشین آدم‌کشی حکومت اسلامی مجدداً سرعت گرفته و شمار زیادی را با مجازات اعدام به قتل رسانده است. بیانیه شجاعانه شش زندانی زن به‌درستی جنایات اخیر را حربه‌ای برای ایجاد رعب و وحشت و نمایش از قدرت پوچ و توخالی رژیم خوانده است. حکومت مرعوب و سردرگم تلاش می‌کند تا از راه‌های مختلف این ذهنیت را ایجاد کند که "فتنه" اخیر تمام شده و حالا زمان بررسی علل آن و مجازات "مجرمان" رسیده است. در همین ارتباط ابراهیم رئیسی دستور تشکیل هیئتی برای بررسی دلایل حوادث اخیر را صادر کرده است. گویا حضرات متوجه نیستند که تا زمانی که جمهوری اسلامی هست تلاش برای سرنگونی آن نیز وجود دارد و شدت و حدت آن نیز گسترش خواهد یافت. اگر قرار بود این اعدام‌ها و آدم‌کشی‌ها مردم را مرعوب کرده و عقب بنشانند در حال حاضر همه باید مطیع اوامر رهبر



از جدال قدرت در ترکیه تا فرصتی برای سیاست رادیکال!



محسن ابراهیمی

حاکم بیداد می‌کرد. اردوغان در رأس حزب اسلامی "عدالت و توسعه" در عرصه داخلی با وعده رشد تولید، پایان دادن به بیکاری و فقر و مبارزه با فساد و در عرصه سیاست خارجی اساساً با وعده عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا رقبای سیاسی را شکست داد.

مخصوصاً از ده سال پیش به این طرف، سیر وارونه رویدادها علیه اردوغان آغاز شده است. به یمن سیاست‌های ریاضت اقتصادی حزب عدالت و توسعه، تمرکز ثروت در دستان اقلیت میلیاردر از یک طرف و فقر و محرومیت و بیکاری و گرانی برای اکثریت مردم از طرف دیگر پایه اجتماعی اردوغان را مدام کوچک‌تر کرده است. مشخصاً از نیمه دوم زمامداری بیست‌ساله اردوغان، در همه این عرصه‌ها وضع ترکیه بدتر و بدتر شده است آن‌چنان‌که تورم در انتهای سال قبل به ۸۵ درصد رسیده بود و تا همین امروز ارزش لیر با سرعت کاهش پیدا کرده؛ سفره اکثریت بزرگی از مردم کوچک‌تر و کوچک‌تر شده، نرخ بیکاری سیر صعودی داشته؛ و نهایتاً در متن فساد اقتصادی سازمان‌یافته هزارفامیل اسلامی اردوغان چشم‌اندازی برای رهایی از این وضعیت نیست. موقعیت رو به نزول اردوغان در وهله اول محصول این وضعیت است. به اینها باید تلاش‌های معمولاً نافرجام اردوغان برای تحمیل کدهای اخلاقی اسلامی به جامعه‌ای که در آن ارزش‌های سکولار بسیار ریشه‌دار است را اضافه کرد.

انقلاب زن زندگی آزادی و رنسانس ضد مذهبی در ایران هم البته یک فاکتور بسیار مهم علیه حزب اسلامی اردوغان است. قطعاً جنبش عظیم مردم ایران برای رهایی از ارتجاع فرهنگی و مذهبی در میان ۱۳ میلیون رأی‌دهنده زیر ۲۵ سال در ترکیه که شش میلیون نفرشان به نسل زد تعلق دارند طنین زیبایی دارد. نسلی که توقعاتشان از زندگی، از حق و آزادی و فرهنگ و هنر و رفاه و فرهنگ و مناسبات سیاسی کوچک‌ترین سختی با چهارچوب تنگ و عقب‌مانده و ارتجاعی حزب اسلامی عدالت و توسعه ندارد. نسلی که مثل همتایانشان در ایران خواهان کنارزدن حاکمیت یک جریان اسلامی بر زندگی سیاسی و اجتماعی‌شان هستند.

سیاست‌های مستبدانه اردوغان هم بخش وسیعی از جامعه را به صف تلاش برای کنارزدن او و حزب عدالت و توسعه از قدرت رانده است. همین‌الان صدها هزار معلم و استاد دانشگاه و دانشجو و کارگر و روزنامه‌نگار و نویسنده و هنرمند و جوانان معترض یا در زندان‌ها هستند و یا در تبعید و محروم از حقوق اجتماعی. ترکیه به یکی از بزرگ‌ترین زندان‌های روزنامه‌نگاران تبدیل شده است. یک توییت انتقادی از رهبر خودکامه می‌تواند حتی یک دانش‌آموز را به زندان بکشاند.

دریچه‌های ورود به اتحادیه اروپا هم که مخصوصاً در میان نسل جوان ترکیه محبوب است، به‌خاطر سیاست‌های منطقه‌ای اردوغان تماماً بسته شده است. حمایت از داعش در جریان مقاومت کوبانی در مقابل آمریکا، نزدیکی با روسیه و مخالفت طولانی با عضویت سوئد در پیمان ناتو، زیر پا گذاشتن قرارداد با کشورهای اروپایی در باره کنترل هجوم پناهجویان از مرزهای ترکیه، حمایت فعال از باندهای تروریستی سنی و نقش فعال در ویران کردن کشور سوریه فقط گوشه‌هایی از این سیاست‌ها هستند.

"اسلام میانه‌رو" اردوغان ظاهراً قرار بود به‌مثابه آلترناتیوی برای حل بحران‌های حکومتی منطقه نقش بازی کند

اردوغان آرزو داشت در صدمین سالگرد تأسیس جمهوری ترکیه، در نقش سلطان قرن بیست و یک ترکیه ظاهر شود. برای این منظور حتی قصری ۱۰۰۰ اتاقه و ۶۰۰ میلیون‌دلاری در آنکارا درست کرده و مثلاً از امثال الهام علی‌اف با سربازانی که لباس‌های ارتش عثمانی به تن دارند استقبال کرده است!

۱۴ مه ۲۰۲۳، یعنی چند روز بعد انتخابات هم‌زمان مجلس و ریاست‌جمهوری در ترکیه برگزار خواهد شد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که ائتلاف شش حزب با مرکزیت حزب جمهوری خلق ناسیونالیست - سکولار از ائتلاف جبهه اردوغان کمی پیشی گرفته است. اگر چه این فاصله خیلی زیاد نیست؛ اما خیلی‌ها امیدوارند که اردوغان که بعد از بیست سال زمامداری این بار با چالش جدی مواجه شده کلاً کنار زده شود.

موضوع این بحث پیش‌بینی بر اساس نتیجه نظرسنجی‌ها نیست که تحت‌تأثیر متغیرهای زیادی می‌تواند تغییر یابد. تجربه بیست سال گذشته در ترکیه پر است از انواع توطئه‌های پیش‌انتخاباتی توسط حزب حاکم و اردوغان که ماندن در قدرت را تضمین کند. از مذاکره و سازش با پ.ک.ک تا لشکرکشی خونین به مناطق کردنشین، تا بمب‌گذاری‌های مشکوک پیش‌انتخاباتی، تا حمایت از وحوش داعش در مقابل مقاومت کوبانی، تا تهاجم گسترده نظامی علیه مردم در شمال سوریه و یگان‌های مدافع خلق به نام مقابله با تروریسم فقط گوشه‌هایی از کارنامه جنایت‌کارانه اردوغان هستند که معمولاً به نحوی به انتخابات مربوط بوده‌اند. در یک جمله ناامین کردن جامعه برای تحمیل تسلیم جامعه به وضع موجود و علم کردن یک دشمن خارجی برای تحریک هیجانان ناسیونالیستی دو تم ثابت تحرکات سیاسی اردوغان در مقاطع انتخابات بوده است که می‌تواند در ابعاد جدیدی تکرار شود. اتفاقاتی که به‌اندازه کافی ماهیت و محتوای دموکراسی "اسلام میانه‌رو" را به نمایش می‌گذارد!

فاکتورهای بر علیه اردوغان کار می‌کنند!

اردوغان بیست سال است که بر ترکیه حکومت می‌کند. برای اولین بار است که در جامعه ترکیه امید برای کنارزدن او زنده شده است. چه مؤلفه‌هایی این بار در کار هستند که می‌توانند شکست احتمالی اردوغان را رقم بزنند؟

به نظر، تمام آن فاکتورها و مؤلفه‌هایی که از لحظه به‌قدرت‌رسیدن اردوغان در سال ۲۰۲۳ و در ده سال اول زمامداری او به نفعش بوده‌اند، امروز علیه او عمل می‌کنند.

در یک مقیاس وسیع‌تر تاریخی، اردوغان و مدل اسلام میانه‌رو او در خلأ ناشی از شکست آلترناتیو ناسیونالیستی به رهبری ژنرال‌ها به قدرت رسید؛ ژنرال‌هایی که تقریباً هر ده سال یک‌بار کودتایی تازه راه می‌انداختند، بحران سیاسی را مهار می‌کردند و برای یک دور دیگر بر دوش طبقه کارگر ارزان شرایط امن برای چپاول توسط طبقه سرمایه‌دار را فراهم می‌کردند. عروج حزب اسلامی "عدالت و توسعه" به قدرت، مربوط به دوره‌ای است که ظرفیت ناسیونالیسم ترک به سرکردگی ارتش در مهار بحران‌های سیاسی ته کشیده بود.

حزب عدالت و توسعه زمانی به قدرت رسید که تورم و گرانی و بیکاری و فقر و محرومیت در متن تفاوت فاحش طبقاتی و فساد طبقه



هوادارانشان بدهند که بله اگر چه در ایران از روی ما عبور شده است اما "اسلام میانه‌رو" هنوز در جایی دیگر نفس می‌کشد و سوسوی امیدی در انتهای تونل تاریک هست!

انتخابات ترکیه و فضا برای سیاست رادیکال

حزب اصلی رقیب اردوغان یعنی حزب جمهوری خواه خلق، یک حزب سکولار - ناسیونالیست است. از نظر سیاست‌های اقتصادی به طیف احزاب راست تعلق دارد و از نظر طبقاتی دنبال تغییرات بنیادی در ارکان طبقاتی جامعه نیست.

با این وجود با پیروزی احتمالی این حزب و شکست اردوغان، انتظار می‌رود فضای سیاسی در ترکیه حداقل برای مدتی برای تحرک سیاسی نیروهای اجتماعی متعلق به طیف چپ آماده‌تر شود و چپ باید از این فضا بیشترین استفاده سیاسی را بکند.

ترکیه از سنت اعتراضی کارگری بسیار قدرتمند برخوردار است. سندیکاهای رادیکال کارگری تجارب ارزنده‌ای از اعتراضات متشکل را پشت سر دارند. نیروی اجتماعی وسیع‌تری در جامعه ترکیه وجود دارند که با توجه به تصورشان از مناسبات سیاسی و آزادی و عدالت اجتماعی در اردوی چپ قرار دارند. از فعالین و رهبران کارگری گرفته تا فعالین و رهبران دانشجویی، تا زنان پیشرو تا نسل جوان مرتبط با جهان که بی‌تردید مثل هم‌تایانشان در ایران دنیای بسیار مدرن و انسانی را آرزو می‌کنند بخش مهمی از متریال انسانی این طیف چپ هستند.

اگر اردوغان شکست بخورد، این نیروها و این نسل می‌تواند و باید فضای پسا اردوغانی را به فرجه و فرصتی برای هر چه بیشتر متحد و متشکل شدن تبدیل کند. فعالین رادیکال جنبش کارگری و نیروهای چپ و برابری طلب جامعه ترکیه باید و می‌توانند در فضای شکست زمامداری بیست‌ساله اردوغان به نفع راه‌انداختن اعتراضات کارگری، اعتراضات سیاسی برای عقب راندن طبقه حاکم و تحمیل خواست‌های اقشار محروم و تحت تبعیض ترکیه استفاده کنند.

باید امیدوار بود و تلاش کرد که چپ اجتماعی بسیار وسیع جامعه ترکیه، هزاران فعال کارگری، هزاران فعال سیاسی برابری طلب و آزادی خواه، هزاران فعال علیه تبعیض جنسیتی و عقیدتی، زنان و نسل جوان پرشور و مدرن و پیشرو که مدام برای کرامت انسانی‌شان، برای آزادی و رفاه و برابری مبارزه کرده‌اند بتوانند خود را در یک حزب سیاسی با برنامه‌ای مبتنی بر آزادی، عدالت اجتماعی و رفاه و کرامت انسانی برای همه شهروندان، یعنی یک برنامه سوسیالیستی سازمان دهند و یکبار برای همیشه جدال بر سر قدرت سیاسی را از انحصار احزاب طرف‌دار سرمایه رها کنند و نهایتاً آرمان‌ها و آرزوهای اکثریت ۹۹ درصدی را خود در قدرت سیاسی نمایندگی کنند. *

از جدال قدرت در ترکیه تا فرصتی برای سیاست رادیکال!
از صفحه ۴

و ترکیه را به یک قدرت منطقه‌ای تعیین‌کننده در صلح و آرامش

منطقه تبدیل کند. اما برعکس، اردوغان برای تحقق جاه‌طلبی احیای امپراطوری عثمانی دومین ارتش ناتو را به نیروی حامی درندگان داعش و انواع باندهای اسلامی در سوریه و منطقه تبدیل کرد و عملاً طبقه حاکم ترکیه را در باتلاق بحران‌های سیاسی منطقه غرق کرد. با شکست احتمالی اردوغان در انتخابات، نیروهای اسلامی سنی مورد حمایت اردوغان در منطقه از یک حامی حکومتی محروم خواهند شد که به‌خودی‌خود خبر خوبی هم برای مردم ترکیه و هم برای مردم منطقه است.

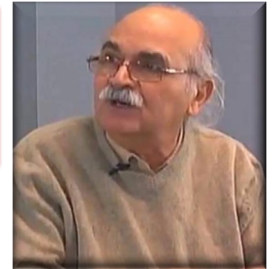
آخرین نکته این است که اردوغان خود سه سال بعد از زلزله‌ای بزرگ در اطراف استانبول که بیش از ۱۷ هزار کشته برجای گذاشته بود سرکار آمد. امروز اما بیش از ۵۵ هزار کشته و میلیون‌ها زخمی و بی‌خانمان که زلزله اخیر در ترکیه بر جای گذاشت را مردم به حساب واکنش کنند حکومت برای نجات جان انسان‌ها و مهم‌تر از این ساخت‌وسازهای سست آسیب‌پذیر در مقابل زلزله می‌گذارند و ریشه همه اینها را به‌درستی فساد سیاسی و اقتصادی حاکم می‌دانند که در رأسش شخص اردوغان قرار دارد.

شکست احتمالی اردوغان و انقلاب در ایران!

صحنه سیاسی ترکیه و ایران به دلایل زیادی از هم متأثر می‌شوند. جدا از تعداد زیادی پناهجوی ایرانی در حال انتظار در ترکیه، رفت‌وآمد هزاران پناهجوی ایرانی در غرب که برای دیدار عزیزانشان به ترکیه سفر می‌کنند، سفر شهروندان ایرانی به ترکیه برای دورشدن از فضای خفه تحت حاکمیت قوانین اسلامی دائم و مدام در جریان است. اصلاً کنسرت‌های پر جمعیت خواننده‌های ایرانی منظم در ترکیه برگزار می‌شود. ترکیه برای بخش قابل توجهی از مردم ایران به کشور دوم تبدیل شده است. در متن چنین فعل‌وانفعال دائمی است که بخش زیادی از مردم ترکیه نسبت به تحولات ایران حساس هستند. طوری که انقلاب زن زندگی آزادی اشک شوق و شادی بر چشمان نسل جوان و زنان و بخش مهمی از مردم ترکیه جاری کرد و همبستگی‌شان را جلب کرد.

متقابلاً، هرگونه تضعیف موقعیت و حضور و تحرک هر نسخه از ایدئولوژی اسلامی و هر شاخه‌ای از نیروهای اسلامی در منطقه برای مردم ایران که فی‌الحال مشغول نبردی باشکوه با سرشاخه شیعی آن هستند قطعاً خوشحال‌کننده است. از نظر مردم ایران با هر شکست هر شاخه‌ای از اسلام سیاسی و ایدئولوژی اسلامی یک سنگر جدید از جبهه توحش اسلامی تسخیر می‌شود و این جبهه بیشتر تضعیف می‌شود.

مثل همه موارد دیگر، اینجا هم احساس و نگاه سران حکومت اسلامی و مردم تماماً در مقابل هم و متضاد هم هستند. اگر چه مشخصاً در سوریه اردوغان و جمهوری اسلامی دو سیاست متضاد داشته‌اند و مناسبات جمهوری اسلامی و ترکیه با جمهوری آذربایجان در نقطه مقابل هم است، اما هر چه باشد اردوغان رهبر یک حزب اسلامی است و شکست احتمالی یک حزب اسلامی و یک رئیس‌جمهور اسلامی آن هم شکست از ائتلافی که در رأسش یک حزب سکولار قرار دارد قاعدتاً نباید موردعلاقه سران حکومت اسلامی باشد. اصلاح‌طلبان حکومتی چه وضعی دارند؟ آنها حتماً دعا می‌کنند اردوغان یا به قول آنها "آتاتورک مسلمان" بیست سال دیگر در قدرت بماند که نشان



علیه اعدام‌ها به خیابان بیاییم! تدوین شده بر مبنای مصاحبه با کانال جدید

حسن صالحی: بله به این بر می‌گردیم که نتیجه این اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی چه خواهد بود. ولی شما اشاره کردید به اعدام دو جوانی که مخالف دین و مذهب بودند. اعدام یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی زارع در زندان اراک. می‌خواهم روی این موضوع مکث بکنم. البته پیش‌ازین هم افراد دیگری را تحت عنوان توهین به مقدسات اسلامی اعدام کرده بودند. در مواردی هم ما موفق شدیم با کارزارهایی برخی از این محکومین را از اعدام نجات دهیم. چرا جمهوری اسلامی نسبت به این کیس‌ها این قدر حساسیت نشان می‌دهد؟

حمید تقوایی: به‌خاطر اینکه جمهوری اسلامی با یک موج عظیم ضد مذهبی در جامعه روبرو است. انقلاب جاری با آیگون‌هایی، با گفتمان‌ها و نمادهای ویژه‌ای خودش را معرفی کرده و نمایندگی می‌شود و یکی از این ویژگی‌ها مخالفت عمومی مردم است با مقدسات مذهبی، با تابوهای مذهبی، با قوانین مذهبی، با قصاص، با حجاب که خودش بیرق اسلام در ایران و یک رکن حکومت است. در ماه رمضان ما شاهد این بودیم که چطور مردم با روزه‌خواری مقابله خودشان با اسلام را اعلام می‌کردند. در مدیای اجتماعی هم می‌بینید که انواع اعتراضات و انواع جوک‌ها و طنز و تمسخر علیه مقدسات مذهبی وسیعاً رواج دارد.

این مقدسات شیشه عمر جمهوری اسلامی است. اتکا به اسلام و مقدسات و احکام اسلامی هویت حکومت است و مردم هم دقیقاً این را می‌دانند.

از نظر فکری هم بی‌خدایی و آتئیسم در جامعه در حال گسترش است. مردم نه فقط با جمهوری اسلامی و مذهب جمهوری اسلامی بلکه کلاً با خدا و اسلام و هر نوع خرافه مذهبی دارند وداع می‌کنند، دارند از مذهب دست می‌شویند و آن را کنار می‌گذارند. در برابر این موج جمهوری اسلامی راه نجاتی ندارد. کفگیر موعظه و نصیحت و تبلیغ و ترغیبشان تماماً به ته دیگ خورده است. مردم بارها و بارها جوابشان را داده‌اند. حتی یک شاگردمدرسه دبستانی را هم با سفسطه‌های فقهی‌شان نتوانسته‌اند قانع کنند. هرچه بیشتر مدارس را به‌طرف اسلام بردند و کتاب‌های درسی را هر چه بیشتر اسلامیزه کردند تنفر و روی‌گردانی دانش‌آموزان از اسلام و کل خدا و مذهب بیشتر و بیشتر شده است.

این راه‌ها به بن‌بست رسیده و از این نظر هیچ کاری از دست حکومت ساخته نیست، در نتیجه اینجا هم باز جواب را در کشتار و سرکوب و اعمال قهر یافته‌اند. می‌زنند و می‌کوبند و می‌بندند مگر به‌این ترتیب بتوانند از تابوها و مقدسات و حکومت اسلامی‌شان پاسداری کنند.

من فکر می‌کنم احکامی نظیر سب‌النبی و توهین به مقدسات و نظایر آن گسترش پیدا می‌کند دقیقاً چون این نوع "توهین"‌ها در جامعه گسترش پیدا کرده است. دقیقاً به‌خاطر اینکه مردم پشت کرده‌اند به همه این مقدسات و این انقلاب یک رکنش خلاصی جامعه از این تابو و طاعون مذهب است. جمهوری اسلامی دقیقاً به همین دلیل نسبت به این مسئله بسیار حساس است.

حسن صالحی: یک جنبه از کشتارهای اخیر، اعدام‌هایی است که در استان سیستان و بلوچستان صورت گرفته. اعدام در این استان ابعاد بسیار گسترده‌ای دارد به‌طوری‌که هشتگ نسل‌کشی بلوچ‌ها را متوقف کنید در شبکه‌های مدیای اجتماعی اوج گرفته. در طول ۵ روز

حسن صالحی: در هفته‌های اخیر شمار اعدام‌ها در ایران افزایش داشته و این افزایش اعدام‌ها به‌شدت نگران‌کننده است. از یک‌طرف در استان سیستان و بلوچستان در مدت ۵ روز بیش از ۲۰ نفر را اعدام کردند و از طرف دیگر دو جوان را به دلیل آنچه که "توهین به مقدسات اسلامی" می‌نامند اخیراً به دار کشیدند. الان هم که من با شما صحبت می‌کنم (سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت) حکم اعدام برای ۳ معترض اصفهانی را دیوان عالی کشور تأیید کرده است. در زندان‌های اهواز هم ۶ نفر دیگر از مخالفین حکومت منتظر اعدام هستند. علاوه بر این اخیراً اعدام محکومین جرایم عادی هم افزایش پیدا کرده است. فکر می‌کنید در شرایط حاضر چرا جمهوری اسلامی به این موج جدید از اعدام‌ها روی آورده است؟

حمید تقوایی: همان‌طور که اشاره کردید این موج تازه است و بسیار هم نگران‌کننده است. اعدام‌هایی که در این یکی دو هفته شاهد بودیم از این نظر هم کشتار آشکار است که محکومینی که فقط از نظر عقیدتی با اسلام مخالف بودند یا آتئیست بودند هم اعدام شده‌اند. یعنی اعدام‌ها هم از نظر تعداد افزایش پیدا کرده و هم به "جرم"‌های عقیدتی بسط داده شده.

به‌این ترتیب اعدام‌ها تبدیل شده به ابزاری که به خیال خودشان با اتکا به آن انقلاب را به عقب برانند. می‌خواهند جامعه را مرعوب کنند. می‌خواهند مردم را بترسانند. اما آنکه بیش از همه ترسیده است خود حکومت است.

بیند این حکومت در همه عرصه‌ها شکست خورده است. آخرین نمونه در ماندگی کامل در برخورد با بی‌حجابی است. خود شورای انقلاب فرهنگی‌شان اخیراً اعلام کرده که در مقابله با بی‌حجابی ما شکست خورده‌ایم. کاری از دستشان بر نمی‌آید. مدام مغازه‌ها، رستوران‌ها، پارک‌ها، گردشگاه‌ها را پلمب می‌کنند و تعداد بی‌حجاب هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود!

از طرف دیگر در جواب به کارگران اعتصابی، در جواب به سونامی تورم و گرانی و این فقر و فلاکتی که واقعاً مردم را ذله کرده و جانشان را به لب رسانده رژیم هیچ پاسخی ندارد و در دل این وضعیت هر روز نمونه دیگری از فساد و دزدی مقامات رو می‌شود. آخرین نمونه همین قضیه به‌اصطلاح اهدا یا رشوه ماشین‌های شاسی‌بلند به نمایندگان مجلس است. هر روز اقتضاح تازه‌ای رو می‌شود.

چنین حکومتی در عین درماندگی و زبونی و بیچارگی به اعدام متوسل می‌شود مگر خودش را نجات بدهد. برای اینکه به خیال خودش جامعه را بترساند. این تنها "راه‌حل" جانبان حاکم در برابر بحران و اعتراضات توده‌ای است. قصدشان ارباب جامعه است؛ ولی تا به‌حال نتیجه عکس گرفته‌اند.

مجموعه این شرایط به‌ویژه اعتصابات کارگری که در حال گسترش است، فراخوان‌ها و تجمعات گسترده در روز جهانی کارگر، جنبش بی‌حجابی که به‌طور سراسری ادامه دارد، اعتراضات معلمان که همین امروز (سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت) در بیش از ۲۵ شهر علی‌رغم بگیروبندها و بسیج نیروهای سرکوبگر به خیابان‌ها آمدند، نشان می‌دهد که اعدام‌ها یک حربه سیاسی حکومت از سر ناچاری و درماندگی است. این حربه‌ای است برای مرعوب کردن و به‌عقب‌راندن یک جامعه معترض که به نظر من کاملاً به‌عکس خودش منجر خواهد شد.

حداقل ۲۲ نفر را اعدام کردند و در طول ۱۲۳ روز گذشته تقریباً هر روز یک نفر را در این استان اعدام کرده‌اند. علاوه بر اعدام‌ها کشتن سوخت‌بران، زحمت‌کشانی که از طریق سوخت بری امرار معاش می‌کنند، هم در دستور کار حکومت بوده که آمار جنایت جمهوری اسلامی را در استان سیستان و بلوچستان بیشتر می‌کند. به نظر شما این همه جنایت و کشتار و اعدام علیه مردم سیستان و بلوچستان چه علتی دارد؟

حمید تقوائی: این اعدام‌های اخیر ادامه جمعه خونین زاهدان است. در جمعه خونین که در همان اوایل انقلاب اتفاق افتاد، حکومت بیش از ۱۰۰ نفر را به خاک و خون کشید، در یک روز با شلیک مستقیم به مردم و از آن به بعد مردم زاهدان و برخی شهرهای دیگر بلوچستان هر جمعه به خیابان‌ها آمده‌اند؛ هر جمعه با رادیکال‌ترین شعارها علیه کل حکومت ایستاده‌اند. به این خاطر زاهدان خاری در چشم حکومت است. حکومت این تصور را دارد، این خیال خام را به نظر من دارد که چون سیستان و بلوچستان بالاخره منطقه دورافتاده‌ای است و بعلاوه خیلی احکام اعدام می‌تواند به بهانه مقابله با مواد مخدر و قاچاق و برخورد با نیروهای مسلح و امثالهم توجیه بشود، اعدام‌ها در این استان با اعتراض چندانی روبرو نخواهد شد و می‌تواند با توسل به اعدام‌های جمعی لاقط جمعه‌های اعتراضی در شهر زاهدان را به عقب براند و متوقف کند که البته این تلاش‌ها به نتیجه‌ای نرسیده. به هیچ‌وجه هیچ نشانه‌ای در دست نیست که این اعدام‌ها باعث شده مردم دیگر جمعه‌ها به خیابان‌ها نیایند و یا حتی کمتر اعتراض کنند. برعکس، الان شعار مرگ بر جمهوری اعدامی هم به شعارهای دیگر مردم زاهدان و شهرهای دیگر استان سیستان و بلوچستان اضافه شده.

همان‌طور که شما گفتید این واقعاً نسل‌کشی است و جا دارد که مبارزه علیه این جنایت را به امری سراسری تبدیل کنیم. اعدام‌ها در سیستان و بلوچستان فقط امر همان استان نیست؛ بلکه امر همه ما است. همیشه یک شعار انقلاب این بوده که «سندج زاهدان، چشم و چراغ ایران». باید عملاً هم نشان بدهیم که واقعاً جنایت‌هایی که جمهوری اسلامی در این استان‌ها و بخصوص امروز در سیستان و بلوچستان انجام می‌دهد برای ما مهم است.

زمان آن فرارسیده که مردم کردستان، مردم تهران، مردم اصفهان و شیراز و همه استان‌های ایران علیه این نسل‌کشی قد راست کند، به خیابان بیایند و اعتراض کنند. نباید مردم بلوچستان را تنها گذاشت و همان‌طور که تابه‌حال این انقلاب با اتحاد و همبستگی همه مردم به پیش رفته است در این مورد هم ما می‌توانیم و باید به یک حرکت همبسته سراسری شکل بدهیم.

حسن صالحی: یک جنبه دیگر، اعدام مجرمین عادی است که عمدتاً این‌ها مربوط به پرونده‌های مواد مخدرند. اخیراً در زندان‌های مختلف کشور این محکومین را به طور فله‌ای اعدام کرده‌اند. ما شاهد این بودیم که خانواده‌های این محکومین به اعدام در مقابل زندان‌ها تجمع می‌کنند. التماس و گریه و زاری می‌کنند. اخیراً دو نفر را در سلیمان اعدام کردند. دختر بچه‌ای که پدرش متأسفانه اعدام شد رو به مسئول زندان التماس می‌کند که برای آخرین بار پدرش را ببیند و آن بی‌شرف اجازه نمی‌دهد. می‌خواهم در مورد این دسته از کسانی که محکوم به اعدام شدند و پای چوبه دار هم برده شده‌اند چه نظری دارید؟

حمید تقوائی: در مورد اعدام زندانیان عادی باید به چند نکته توجه کرد. اول اینکه مجازات اعدام، مستقل از اینکه چه کسی حکم گرفته و چه پرونده‌ای دارد، قتل عمد است. قتلی که دولت انجام می‌دهد و باید ممنوع شود. امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا اعدام ممنوع است و به هیچ جرمی

کیفر اعدام تعلق نمی‌گیرد. زندگی انسان از هر چیز مقدس‌تر و بالاتر است و وقتی در جامعه‌ای کشتن انسان‌ها قانونی و مجاز شمرده می‌شود در واقع بی‌ارج و بی‌ارزش شدن جان انسان‌ها قانونیت و رسمیت پیدا کرده است. هیچ کس، هیچ مقام و نهاد و اتوریته‌ای نباید حق داشته باشد کسی را به مرگ محکوم کند. حتی اگر جرم کسی قتل باشد نباید قتل را با قتل پاسخ گفت. فلسفه یک سیاست قضائی انسانی انتقام نیست؛ بلکه آموزش فرد خاطی و مصون داشتن جامعه است. تجربه هم نشان داده است که مجازات اعدام از جرائمی مثل قتل نمی‌تواند جلوگیری کند و حتی تعداد آنها را کاهش بدهد. علت بسیاری از جرائم، به‌ویژه در نظامی مثل جمهوری اسلامی، فقر و بیکاری و اعتیاد و محرومیت است. برای مقابله با قتل و سرقت و این نوع جرائم باید زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی آن را از بین برد. اعدام زمینه این جرائم را از بین نمی‌برد؛ بلکه برعکس، قتل و آدم‌کشی را به امری عادی و مجاز تبدیل می‌کند. اعدام حکم مناسبی برای هیچ جرمی نیست.

نکته دیگر اینکه در جمهوری اسلامی هیچ دادگاهی صالح و عادلانه نیست. نه قوانین اسلامی و جرم‌شناسی و قوانین کیفری اسلامی با ابتدائی‌ترین حقوق انسان‌ها خوانائی دارد و نه روند بازداشت و محاکمه و دادگاه‌ها و نحوه قضاوت. به‌عنوان نمونه بنا به قوانین قصاص حکم هم‌جنس‌گرایی و ارتداد و زنا (رابطه خارج از ازدواج) و توهین به پیغمبر اعدام است در حالی که در هر سیستم قضائی که بویی از تمدن برده باشد اینها اصلاً جرم محسوب نمی‌شود. در واقع کیفر محکومین در سیستم قضائی جمهوری اسلامی، اعم از اعدام و یا هر کیفر دیگری، کاملاً غیرعادلانه و باید گفت جنایت‌کارانه است. حتی بر مبنای قوانین کشورهای که اعدام در آنها مجاز شمرده شده اعدام‌ها در جمهوری اسلامی جنایت آشکار است. همه کسانی که در این سیستم محکوم شده‌اند یا هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند و یا از نظر حقوقی و قضائی جرمشان ثابت نشده است و در هر صورت باید پرونده‌شان در دادگاه‌های صالحه مورد بررسی مجدد قرار بگیرد. اعدام در هر کشوری قتل عمد دولتی است؛ اما در جمهوری اسلامی اعدام جنایت به توان دو است؛ چون بی‌گناهان اعدام می‌شوند.

این هم دلیل دیگری است بر اهمیت و مبرمیت مبارزه با مجازات اعدام در ایران. امیدوارم با سرنوشتی جمهوری اسلامی پرونده‌های همه محکومین در سیستم قضائی قرون وسطایی این حکومت در دادگاه‌های عادلانه و مردمی مجدداً مورد بررسی قرار بگیرد. متأسفانه حکم کسانی که اعدام شده‌اند قابل تجدیدنظر نیست ولی می‌توان به خانواده آنها غرامت پرداخت و از بسیاری از آنان اعاده‌حیثیت کرد.

نکته سوم این است که در جمهوری اسلامی حتی اعدام زندانیان غیرسیاسی هم امری است سیاسی. به این معنا که حکومت می‌خواهد با اعدام‌ها جامعه را مرعوب کند و قدرت جهنمی خودش را تثبیت کند.

جمهوری اسلامی با اعدام‌ها تلاش می‌کند قدر قدرتی خودش را به رخ جامعه بکشد. احکام قصاص، اعدام یک زناکار و یا یک فرد برگشته از اسلام، در واقع تثبیت اتوریته حکومت و قوانین و مقدسات اسلامی است.

کلاً اعدام در هر جامعه‌ای یک نوع قدر قدرتی و اتوریته مافوق انسانی به دولت‌ها می‌دهد و به این اعتبار از یک امر حقوق قضائی فراتر می‌رود و به امری سیاسی - اجتماعی تبدیل می‌شود. به‌ویژه در جمهوری اسلامی این امر صادق است. جمهوری اسلامی هر موقع قافیه برش تنگ می‌شود، هر گاه در سه‌کنج قرار می‌گیرد و مثل امروز از هر طرف تحت فشار قرار می‌گیرد، تیغ اعدام را بیرون می‌کشد. نفس اعدام بخصوص در ایران امری سیاسی است.

به تمام این دلایل ما از نظر اصولی، از نظر سیاسی، از نظر انسانی و اجتماعی مخالف اعدام هستیم. مجازات اعدام

علیه اعدام‌ها به خیابان بیایم!
از صفحه ۷

کلاً باید در جامعه ملغا و ممنوع اعلام شود.

به این ترتیب بتوانیم یک موج گسترده اعتراضی علیه این اعدام‌ها را سازمان بدهیم.

حسن صالحی: اگر اجازه بدهید وارد

حسن صالحی: در عرصه بین‌المللی هم می‌خواهیم نگاهی داشته باشیم و بسیم برای اعمال فشار بیشتر و حداکثری بر جمهوری اسلامی چه کارهایی می‌شود کرد. بخصوص اینکه شماری از این اعدامی‌ها مثل آقای حبیب اسبوند دو تابعیتی بودند. ایشان که تابعیت سوئد را هم داشتند، سال ۱۳۹۹ در سفری که به ترکیه داشتند روبرو شدند و دولت سوئد هم اقدامی نکرد. بعد از اینکه ایشان اعدام شد اتحادیه اروپا و کشورهای دیگر به یک اعتراض دیپلماتیک بسنده کردند. در واقع نوش داروی بعد از مرگ سهراب. در عرصه بین‌المللی چه کار می‌شود کرد؟

این مبحث شویم که چگونه در مقابل این موج توحش، در مقابل این موج آدمکشی که قبلاً هم وجود داشته؛ اما امروز در شرایطی تازه‌ای اوج گرفته است، می‌توانیم مقابله کنیم. چطور می‌شود جلوی این اعدام‌ها ایستاد؟

حمید تقوایی: در جامعه ایران انقلاب رزمنده و گسترده‌ای در جریان است و بخش‌های مختلف جامعه با خواست انسانی خودشان در حال مبارزه‌اند. مثل بخش‌های وسیعی از کارگران که الان در اعتصاب هستند، یا مثل معلمان و بازنشستگان که تجمعات خیابانی برپا می‌کنند، یا دانشجویان که مداوماً به انواع تبعیضات و اجحافات و سرکوب‌گری‌های حکومت دارند اعتراض می‌کنند، و زنان که در سطح سراسری با بی‌حجابی حکومت را به چالش کشیده‌اند و غیره و غیره.

حمید تقوایی: در عرصه بین‌المللی هم بالاخره عامل تعیین‌کننده اعتراضات است. اعتراضات خیابانی برای اعمال فشار به دولت‌ها، حتی اگر بخواهیم فعالیت‌های لابی‌ایستی، ملاقات با ارگان‌های بین‌المللی، با دولت‌ها و غیره به نتیجه برسد باید به اعتراضات خیابانی متکی باشیم. آن عاملی که باعث می‌شود بتوانیم دولت‌ها و نهادهای جهانی را مجبور کنیم که اقدام قاطع‌تر و پیگیرتری در دستور کارشان بگذارند اعتراض و اعمال فشار از طرف افکار عمومی و از طرف جامعه در کشورهای خودشان است.

اولین نکته این است که ما باید مقابله با احکام اعدام و خواست ممنوعیت مجازات اعدام را به شعارها و خواست‌های این اعتراضات اضافه کنیم. بازنشستگان و معلمان که همین امروز در خیابان بودند، اعتراضاتی که در روز جهانی کارگر در اول ماه مه شکل گرفت، یا دانشجویانی که به مناسبت‌های مختلف فراخوان می‌دهند باید روی امر لغو مجازات اعدام متمرکز بشوند.

اینجا هم عامل تعیین‌کننده درست مثل خود ایران، مبارزات خیابانی و میدانی است. الان علیه اعدام‌های اخیر فراخوان‌های متعددی در خارج کشور داده شده است. همین آخر هفته، در ادامه شبهه‌های اعتراضی در بسیاری از شهرها اعتراضاتی علیه اعدام‌ها سازمان داده شده. آن نکته‌ای که در مورد ضرورت رسانه‌ای شدن خبر اعدام‌ها تأکید کردم اساساً در خارج کشور می‌تواند به پیش برده بشود. خارج کشور میدان وسیع این کار است. باید در تلویزیون‌ها، در مدیای اجتماعی، در رسانه‌های بین‌المللی، در روزنامه‌ها و نشریات نام و تصویر عزیزان محکوم به اعدام، از جمله شهروندان دو تابعیتی که اشاره کردید، وسیعاً پوشش داده شود و صدای اعتراض مردم آزاده، در ایران و در همه کشورها در رسانه‌های هر چه بیشتری بازتاب پیدا کند. نه فقط ایرانیان مقیم خارج بلکه هر آدم شریفی که با اعدام مخالف است، می‌تواند به این جنبش بپیوندد.

اینجا دو نکته مطرح است. یکی لغو مجازات اعدام علی‌العموم است که بالاتر توضیح دادم و دیگری نجات جان کسانی که زیر حکم اعدام و در خطر اعدام قرار دارند. باید پرونده این عزیزان با اسم و رسم و تصویرشان رسانه‌ای بشود و این امر قبل از هر کس دست خانواده‌ها را می‌بوسد. باید این قربانیان سیستم قضائی جنایت‌کارانه جمهوری اسلامی رو به جامعه در ایران و در سطح جهانی معرفی بشوند. باید دنیا بفهمد حکومت با صدور احکام اعدام دارد چه جنایتی مرتکب بشود. ما می‌توانیم به این ترتیب اعمال فشار کنیم و جلوی اعدام افرادی که الان در دست حکومت اسیر هستند را بگیریم.

در سطحی دیگر جنبش دادخواهی باید علیه موج اعدام‌ها فعال بشود. جنبش دادخواهی جنبش گسترده‌ای در ایران است که با جنبش علیه اعدام فصل مشترک زیادی دارد. بسیاری از دادخواهان عزیزانشان اعدام شده‌اند و به این عنوان علیه حکومت و برای به محاکمه کشیدن مقامات مسئول قتل عزیزانشان مبارزه می‌کنند. این جنبش هم به‌خاطر سابقه‌ای که دارد، به‌خاطر فعالیت‌های موفق که حتی در سطح جهانی علیه حکومت اعدام‌ها، علیه قصاص و علیه سیستم قضائی کاملاً غیرانسانی و ضدانسانی اسلامی ایفا کرده، می‌تواند نقش برجسته‌ای علیه موج اعدام‌های اخیر داشته باشد و با فراخوان‌هایش، با بیانیه‌هایش در فضای مدیای و اجتماعی و در مبارزات میدانی، از جمله با تجمع به همراه خانواده‌های محکومین به اعدام در مقابل زندان‌ها، پرچم مبارزه علیه اعدام را بلند کند.

به نظر من این فاکتوری است که جمهوری اسلامی نمی‌تواند نادیده بگیرد. قبلاً هم ما توانسته‌ایم به این شیوه در دوره‌های مختلف برخی محکومین اعدام را نجات بدهیم و این بار هم با توجه به اینکه انقلاب زن زندگی آزادی توجه‌ها را بیش از گذشته به ایران و شرایط مردم ایران جلب کرده کاملاً امکان‌پذیر است که با فعالیت‌های خیابانی و میدانی، با اعتراضات گسترده در شهرها و کشورهای مختلف، و همچنین با فعالیت‌های لابی‌ایستی و اعمال فشار بر نهادهای بین‌المللی و بر حکومت‌ها کاری کنیم که هر چه بیشتر این اعدام‌ها در سطح جهانی محکوم شود، نام و تصویر محکومین به اعدام در سطح دنیا شناخته بشود و به این ترتیب بتوانیم موج اعدام‌ها را متوقف کنیم و جمهوری اسلامی را گامی دیگر به عقب برانیم.

به این ترتیب من فکر می‌کنم در دل اعتراضات جاری، جنبش دادخواهی، جنبش علیه اعدام، جنبش کارگری، جنبش دانشجویی، جنبش آزادی زندانی سیاسی این توانائی را دارند که فعال‌تر علیه اعدام به میدان بیایند و خواست لغو فوری مجازات اعدام و لغو احکام اعدام عزیزانی که الان در چنگال حکومت اسیر هستند را با اسم و رسم در دستور کارشان بگذارند. امیدوارم که

۹ مه ۲۰۲۱، ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲

اعدام قتل عمد دولتی است

بودجه‌های نجومی نهادهای مذهبی حکومت!



محمد شکوهی

تومان

نگاهی به لایحه بودجه امسال و "ردیف ۱۹" بودجه نهادهای مذهبی نشان می‌دهد که بودجه این نهادها در مقایسه با سال قبل، افزایش قابل توجهی یافته است. در این ردیف بودجه، ۲۵ دستگاه و نهاد مشغول به "فعالیت تبلیغی و مذهبی" دریافت‌کنندگان بودجه‌های نجومی هستند که در کل بودجه‌ای نزدیک به ۲۰ هزار میلیارد تومان دریافت می‌کنند.

رسانه‌های حکومتی وابسته به باندهای مختلف حکومت گزارش دادند بودجه‌های پیشنهادی دولت برای این دم و دستگاه‌ها در مجلس مفصلاً بررسی شده و در بیش از ۱۰ مورد، بودجه پیشنهادی دولت را مجلس ناکافی دانسته و مجدداً افزایش داده است. وبسایت تجارت نیوز ارقام بودجه‌های نجومی این نهادهای مذهبی حکومت را این‌طور ردیف کرده است:

* مرکز خدمات حوزه‌های علمیه با افزایش ۱۲۷ درصدی، ۶۳۰۰ میلیارد تومان

* سازمان تبلیغات اسلامی با افزایش ۵۳ درصدی؛ ۲۳۴۹ میلیارد تومان

* شورای عالی حوزه‌های علمیه با رشد ۵۴ درصدی؛ ۴۵۶۱ میلیارد تومان

* جامعه‌المصطفی العالمیه ۱۰۱۲ میلیارد تومان

* شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خواران با افزایش ۵۶ درصدی، ۷۲۱ میلیارد تومان

* حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی با افزایش ۴۷ درصدی، ۷۳۰ میلیارد تومان

* نهاد نمایندگی خامنه‌ای در دانشگاه‌ها با افزایش ۳۸ درصدی، ۴۳۶ میلیارد تومان

* ستاد امر به معروف و نهی از منکر با افزایش ۱۲۵ درصدی، ۱۲۶ میلیارد تومان

* دانشگاه علوم و معارف اسلامی با افزایش ۷۸ درصدی، ۹۲/۳ میلیارد تومان

* مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با افزایش ۴۴ درصدی؛ ۷۱/۵ میلیارد تومان

* مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی با افزایش ۴۱۵ درصدی، ۳۶۸ میلیارد تومان

* دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با افزایش ۸۳ درصدی، ۴۱۴ میلیارد

* دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی با افزایش ۶۰ درصدی، ۵۲۰ میلیارد تومان

* ستاد اقامه نماز بودجه با افزایش ۷۶ درصدی، ۵۱ میلیاردی

* مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی با افزایش ۱۳۱ درصدی، ۸۸ میلیارد تومان

* بنیاد دایرةالمعارف اسلامی با افزایش ۱۹۳ درصدی، ۴۷ میلیارد تومان

* پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با افزایش ۳۳ درصدی، ۴۸ میلیارد تومان

* شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه با افزایش ۷۸ درصدی، ۱۷۳ میلیارد تومان

* دانشگاه اهل بیت با افزایش ۱۱۱ درصدی، ۵۵ میلیارد تومان

* مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی با افزایش ۹۷ درصدی، ۱۸۲ میلیارد تومان

* بودجه صداوسیما با افزایش ۵۰ درصدی به ۷،۹۳۸ میلیارد تومان رسیده است. توجه حکومت افزایش برنامه‌های مذهبی و اسلامی این رسانه حکومتی است.

* بیش از ۳ هزار و ۳۰۰ مؤسسه قرآنی با هزاران مدرسه قرآن هم هست که بخشاً زیر مجموعه وزارت آموزش و پرورش بوده و بودجه می‌گیرند.

اینها فقط لیست برخی از نهادها و تشکلهای مذهبی

حکومتی هستند که ظاهراً علنی کار و فعالیت می‌کنند و دفتر دستک دارند. این نهادها از پرداخت مالیات‌بردراآمد معاف هستند. در کنار این بودجه یا بهتر بگوییم پول نقد، تسهیلات، املاک و اعتبارات هزاران میلیاردی دیگری دریافت می‌کنند.

میزان و مبلغ اختصاص بودجه در مجلس به این نهاد، یک موضوع جنگ و دعوی نمایندگان باندهای مخالف بود. تقریباً همه نمایندگان مجلس به شکلی با این نهادها کار می‌کنند و بخشاً درآمدهای اضافی علاوه بر حقوق نمایندگی دریافت می‌کنند. اکثر نمایندگان عضو تشکلهای و هیئتمنا و دستگاه اداری این نهادها هستند.

اهداف و سیاست‌های این نهادهای قدرتمند، در کنار قانون‌گذاری در مجلس، نظارت بر اجرای قوانین ضدانسانی اجرای شریعه و قوانین ضد زن، خط و جهت‌دهی به سیاست‌های مذهبی





بودجه‌های نجومی نهادهای مذهبی حکومت!
از صفحه ۹

حکومت، و به این معنا از ارکان ایدئولوژی مذهبی حکومتی هستند.

نهادهایی نظیر شورای عالی حوزه‌های علمیه، دفاتر حوزه‌های علمیه خواهران و برادران، سازمان تبلیغات اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ستاد امری‌معروف، نمایندگی خامنه‌ای در دانشگاه‌ها، جامعه‌المصطفی، با هزاران میلیارد تومان بودجه بخش اعظم سیاست‌های اسلامیزه کردن جامعه، گسترش جهل و خرافه مذهب، تقلا و تلاش برای جانداختن ارزش‌های ضد زن و ضدانسانی حکومت، برگزاری نشست‌های "مقابله با تهاجم فرهنگی غربی" و جانداختن "فرهنگ اسلامی فاطمی و زینبی"، شستشوی مغزی کودکان در مهدکودک‌ها، سازماندهی دفاتر ازدواج اسلامی و بخش‌های حامی ازدواج کودکان، فعالیت در محلات شهرهای بزرگ در قالب انجمن‌ها و تشکل‌هایی نظیر "محفل انس با قرآن، برگزاری مضحکه اعتکاف در مدارس و مهدکودک‌ها، تربیت قاری قرآن، مشاوره ازدواج و صیانت از نهاد خانواده و... از جمله عملکردهای همیشگی این نهادها است.

"کمبود پول و اعتبار" با تأخیر پرداخت می‌شود. میلیون‌ها حقوق‌بگیر در کل باید برای چندرغاز حقوق‌هایشان هر روز بجنگند.

تازه آنجایی هم که وعده پرداخت می‌دهند، با وقاحت می‌گویند "اعتبار" اختصاص داده شده است!

این اعتبارات باید تأمین مالی بشود. برای تأمین مالی باید دولت و مجلس مجوز بدهند و... در نهایت دست مردم کارکن خالی می‌ماند.

مقابلاً این نهادها و کل دم‌دوستگاه و مافیای اسلامی حکومتی در همه رده‌های نظام، هیچ موقع با مشکل کمبود پول و اعتبار روبرو نبوده و دستشان در دسترسی به منابع مالی کاملاً باز است. تبلیغ و ترویج جهل و خرافه مذهبی سیاست رسمی همه ارگان‌های حکومت است و کل نظام بودجه‌های نجومی در اختیارشان می‌گذارد...

اما در کنار این شل کردن سر کیسه برای گسترش فعالیت‌های مذهبی حکومتی، یک واقعیت بسیار بزرگ و عظیم هم نهفته است و آن شکست کل پروژه‌های اسلامیزه کردن جامعه، علی‌رغم صرف هزینه ده‌ها میلیاردی در طول بیش از چهار دهه گذشته است. حجاب اسلامی، تقویت خانواده اسلامی، ازدواج اسلامی، ارزش‌های اسلامی و مذهبی، سبک زندگی اسلامی، سرمایه‌گذاری برای جلب جوانان به ارزش‌های حکومتی و اسلامی و... دود شده و هوا رفته است. حکومت هم این را می‌داند. به هر درجه که این سیاست‌ها توسط مردم به عقب رانده می‌شود، به همان درجه حکومت احساس ترس و وحشت دارد.

با به صحنه آمدن انقلاب زن زندگی آزادی و تحولات عظیم چند ماه گذشته، جامعه نشان داد که هیچ‌کدام از ارزش‌های حکومتی و کلیت حکومت اسلامی را نمی‌خواهد. عقب‌نشینی‌هایی که در طول چند ماه گذشته و در سایه این تحول بزرگ در جامعه به حکومت تحمیل شده، قابل‌بازگشت نیستند. کل مذهب و حکومت اسلامی زیر ضرب اعتراضات اجتماعی مردم و به‌ویژه زنان و نسل جوان در همه عرصه‌ها قرار دارند.

تلاش‌ها و تقلاهای حکومت برای گسترش سرکوب، ایجاد جو رعب و وحشت، اعدام و زندان برای مقابله با این وضعیت تهاجمی مردم به حکومت دیگر کارایی ندارد. تقویت نهادهای مذهبی، اختصاص بودجه‌های نجومی، به امید برگرداندن جامعه به عقب و پایبند کردنشان به ارزش‌های مذهبی و حکومتی کارایی‌اش را از دست داده است.

انقلاب زن زندگی آزادی اساساً یک انقلاب ضد مذهبی با آمال و خواست‌های مترقی و انسانی است. این انقلاب گورکن حکومت مذهبی و پایان‌دادن به عمر کل دم‌دوستگاه سرکوب و اعدام، جهل و خرافه اسلامی را در دستورش دارد.*

رابطه تنگاتنگ بیت رهبری و ده‌ها مؤسسه مذهبی دیگر با این نهادها، وابستگی و خط‌گیری از "بیت آیت‌الله‌های" کله‌کننده ساکن قم و مشهد، یک همگرایی کل دار و دسته‌ها و باندهای حکومتی را نشان می‌دهد که هر کدامشان بودجه‌های هنگفت دریافت می‌کنند. حوزه‌های علمیه بزرگ‌ترین دریافت‌کننده بودجه هستند که ده‌ها مرکز اسلامی و انجمن در داخل و خارج کشور را راه انداخته‌اند. برخی از این نهادها در پروژه‌های اقتصادی حکومت، از جمله در بازسازی اماکن امامان در کربلا، نجف و کاظمین، حرم معصومه در سوریه و نهادهای وابسته‌شان در لبنان و... فعالیت‌های چشمگیری دارند.

سیاست‌ها و برنامه‌های این نهادها که بخش‌های سیاست‌های اعلام شده خامنه‌ای و آیت‌الله‌های دانددرشت هم خط با وی است، یک جزء اصلی سیاست‌های رسمی حکومت حول پروژه "اسلامیزه کردن جامعه" است.

اساساً کل بودجه‌بندی در حکومت اسلامی در همه عرصه‌ها بر اساس اولویت‌های نظام اسلامی حاکم است. این نهادها جزو اولویت‌های نظام هستند که در سیستم حکومت مافیای مذهبی اینتگره شده‌اند. جمهوری اسلامی و بودجه‌بندی‌اش فقط این نهادهای مذهبی را پوشش نمی‌دهد. کل حکومت از پائین تا بالا بر اساس سلسله‌مراتب مذهبی موردنظر حکومت سازماندهی شده‌اند. جمهوری اسلامی به‌عنوان شکل نظام، هماهنگ‌کننده و رهبری کل تحرکات سیاسی و مذهبی را به عهده دارد و به این اعتبار مذهب و نهادهای اسلامی از ستون‌ها و ارکان حکومت‌اند.

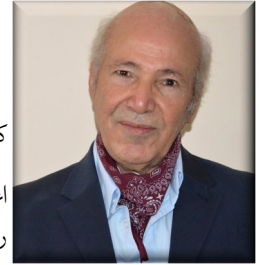
در کنار این نهادها، وزارتخانه‌های ارشاد، اطلاعات، سپاه و بسیج، آموزش و پرورش و... برای خود دم‌دوستگاه عظیم مذهبی دارند که بودجه‌های جداگانه دریافت می‌کنند. سیاست‌های این وزارتخانه‌ها در راستای سیاست‌های اعلام شده خامنه‌ای و نهادهای اسلامی برای گسترش و تحکیم جهل و خرافه مذهب و کمک به تثبیت پایه‌های اجتماعی نظام می‌باشد. سیاست رسمی و همیشگی حکومت حمایت سیاسی و مالی از همه این نهادها و باندهای دوروبرشان است.

یک مقایسه ساده نشان می‌دهد که بودجه این نهادها بیشتر از پول و اعتبار تخصیص داده شد به پرداخت حقوق بازنشستگان است. هزاران بازنشسته برای دریافت چندرغاز حقوقشان ماه‌ها باید اعتراض و تجمع کنند. تازه دولت و حکومت هم با وقاحت می‌گویند اعتبارات ویژه به این مورد اختصاص داده است. دفت کنید اعتبار نه پول نقد!

هزینه استخدام آخوند در آموزش و پرورش و مدارس قرآنی و... بیش از یک‌سوم بودجه کل وزارت آموزش و پرورش را می‌بلعد. ده‌ها انجمن و تشکل وابسته به این نهادهای مذهبی در وزارتخانه‌ها مشغول فعالیت هستند.

حقوق و دستمزدهای هزاران کارگر، معلم، پرستار، شهرداری‌ها، به دلیل

علیه مجازات اعدام



کازم نیک‌خو

در ظاهر برای از بین بردن به اصطلاح "مفاسد اجتماعی" تعریف شده، اما همیشه چه در دوره برده‌داری و اشرافیت، چه در دوره زمین‌داری و چه در دوره کنونی یعنی سرمایه‌داری، اعدام به‌عنوان ابزاری برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه و حفظ کنترل و سلطه اقلیت بر اکثریت مردم به کار گرفته شده و می‌شود. همان‌ها که خود عامل و منشأ تمام مفاسد اجتماعی هستند، به‌عنوان قاضی و جلاّد و قانون‌گذار قربانیان سیستم حاکم را به جرم جنایت محاکمه و اعدام می‌کنند. این اساس مسئله است. اقلیت حاکم در همه‌جا در صورت لزوم و در صورتی که فضای جامعه به آنها اجازه داده حتی از اعدام مستقیم و علنی مخالفین سیاسی خود نیز خودداری نکرده‌اند. جمهوری اسلامی یک نمونه گویا و زنده در زمینه اعدام‌های سیاسی است که هزاران نفر را فقط در تابستان سال ۶۷ به دلایل سیاسی و وحشیانه اعدام کرد. در سال‌های قبل و بعد از آن نیز هزاران نفر توسط این حکومت اعدام شدند. در همین خیزش اخیر زن زندگی آزادی حداقل ۴ نفر به جرم اعتراض اعدام شدند و شمار بیشتری در سیستان و بلوچستان و اهواز در همین ماه‌ها و هفته‌های اخیر به جرم‌های سیاسی اعدام گردیدند. برای نمونه دو جوان در همین هفته جاری به جرم "سب‌النبی" یعنی توهین به پیغمبر اعدام شدند.

اما همه اعدام‌ها حتی آنها که ظاهراً غیرسیاسی به نظر می‌رسد، کاملاً سیاسی است. یعنی در خدمت حفظ حاکمیت است. برای ایجاد رعب و حفظ کنترل سیاسی بر مردم است. اما استدلال‌هایی که در دفاع از اعدام بکار می‌رود تا مردم را به قبول این مجازات شیخ و ضدانسانی قانع کند ظاهر دیگری دارد. در کل چند گونه استدلال در دفاع از اعدام انجام می‌شود:

- ۱- اعدام برای پاک‌سازی و مصونیت جامعه
- ۲- اعدام ابزار کیفر مجرمین و اجرای عدالت
- ۳- اعدام به‌خاطر درس‌گیری و عبرت مردم



اینها مضامین اصلی بیشتر استدلالاتی است که در دفاع از مجازات اعدام مطرح می‌شود. استدلال‌ات دیگری هم هست که به نحوی از همین سه نوع ناشی می‌شود. بگذارید یک‌یک اینها را بررسی کنیم:

۱- اعدام ابزار پاک‌سازی و مصونیت جامعه؟

گفته می‌شود که قاتل یا متجاوز و مجرم از میان برداشته می‌شود و جامعه امن‌تر و مصون‌تر می‌شود. بعلاوه می‌گویند اگر قاتل و متجاوز اعدام نشود ترس از جرم و جنایت کم می‌شود قتل و جنایت و تجاوز افزایش می‌یابد. هر دو جنبه این استدلال بی‌پایه و پوچ است.

چند سؤال در این رابطه مطرح می‌شود. اولین سؤال این است که به فرض این درست باشد، آیا راه دیگری جز کشتن افراد برای مصون داشتن جامعه وجود ندارد؟ آیا نمی‌شود کسی که به فرض مجرم خطرناکی هست را در محیطی جداگانه تحت کنترل داشت و تلاش کرد که اصلاح شود و به جامعه برگردد؟ (کلمه زندان را به کار نمی‌برم؛ چون زندان هم تاریخ و داستان خودش را دارد و بحث جداگانه‌ای لازم دارد). می‌گویند اولاً این هزینه‌بردار است و اعدام کم‌هزینه‌تر و سرراست‌تر است و ثانیاً کسی که خطرناک است ممکن است دوباره به جامعه برگردد و دست به اعمال جنائی بزند.

اعدام شیخ‌ترین و وحشیانه‌ترین سستی است که ریشه در دوران جاهلیت و توحش بشر دارد و بر دوش مذهب و سنت و به کمک حکومت‌ها و

دیکتاتوری‌ها به دوران کنونی رسیده است. اعدام بی‌رحمانه‌ترین و بدترین نوع قتل است. قتل عمد و نقشه‌مند و برنامه‌ریزی شده دولتی است. برای گرفتن جان انسان‌ها، از قبل همه چیز را تدارک می‌بینند. قوانین، دادگاه‌ها، قضات، جلاّدان حرفه‌ای، و ابزارهای ویژه قتل را برای کشتن آدم‌ها آماده می‌کنند و انسان یا انسان‌هایی را با بی‌رحمی و خونسردی تمام بعضاً در برابر چشم مردم به قتل می‌رسانند. کلمات از توصیف عمق و ابعاد کراهت و شاعت چنین جنایت ضدانسانی و وحشیانه و بی‌رحمانه‌ای به‌راستی عاجزند. به‌ویژه اگر توجه کنیم که اعدام کنندگان خود عاملین مستقیم و غیرمستقیم جرم و جنایات در جامعه هستند و اعدام شوندگان قربانیان خود این نظام و مناسبات‌اند، قباحت اعدام بیشتر جلوی چشم می‌آید.

اینجا می‌خواهم نکاتی را در مورد ریشه اعدام و استدلالاتی که در دفاع از آن صورت می‌گیرد مورد بحث قرار دهم. اما قبل از آن اشاره کنم که خوشبختانه در چند دهه اخیر اکثر دولت‌ها زیر فشار جنبش ضد اعدام، از این جنایت دست کشیده‌اند و مجازات اعدام را کنار گذاشته‌اند. بنا به آمار ۱۴۵ کشور دنیا رسماً یا عملاً مجازات اعدام را کنار گذاشته‌اند. اما همچنان در ۵۴ کشور این کشتار رسمی ادامه دارد. ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به نسبت جمعیت بیشترین میزان اعدام در میان کشورهای جهان را انجام داده و می‌دهد. در سال گذشته بنا به گزارش عفو بین‌الملل در ایران ۵۵۳ نفر اعدام شدند. از میان ۵۵ کشور که همچنان مجازات اعدام را حفظ کرده‌اند، کشور چین از نظر تعداد بیشترین میزان اعدام‌ها را انجام می‌دهد که شمار آنها به بیش از هزار نفر در سال گذشته رسید. تازه این به نسبت سال‌های قبل کاهش جدی‌ای را نشان می‌دهد. به دنبال آن جمهوری اسلامی ایران دومین دولتی است که بیشترین میزان اعدام‌ها را داشته و شمار اعدام‌هایش به نسبت چند سال اخیر افزایش یافته است. پس از آن کشورهای مصر، عربستان، سوریه، و سومالی قرار دارند. آمریکا تنها کشور غربی است که همچنان در چندین ایالت آن قانون اعدام اجرا می‌شود.

انتقام از مجرم و جنایت‌کار

فلسفه و اساس اعدام از انتقام و مقابله به‌مثل مایه گرفته است. بیشترین رایج‌ترین کاربرد آن در برابر قتل و تجاوز است. اما به بسیاری از جرم‌های دیگر حتی مخالفین سیاسی و عقیدتی نیز سرایت داده شده است. اساس مسئله این است که کسی قتل و تجاوز و عمل خلافی انجام داده و باید در مقابل به سزای اعمالش برسد. مذاهب و دولت‌ها و حاکمین روی این سنت کهنه و قدیمی انتقام سوار شده و قرن‌ها دست به کشتار و قتل افراد و حتی مخالفین خود زده‌اند. اما هدفی که رسماً از مجازات اعدام دنبال می‌شود از سنت ضدانسانی و وحشیانه انتقام نیز وحشیانه‌تر است. اعدام همیشه ابزاری برای سرکوب مردم معترض و دگراندیش و برای حفظ سیستم طبقاتی و حاکمیت اقلیت انگل بوده است. می‌توان نشان داد و ثابت کرد که گرچه بیشتر اعدام‌ها

مکافات و مجازات شدن به خاطر جنایتی است که اتفاق افتاده است. قانون قصاص در حکومت اسلامی عیناً همین است. در این قانون بازماندگان قربانی یا مقتول (اولیای دم) این حق را دارند که قاتل را به دست خودشان به قتل برسانند. نفس شرکت دادن و ابستگان قربانی در کشتن افراد به شدت مخرب و جنایت کارانه است و تأثیرات روانی مهلک و ماندگاری بر کسانی که در این اقدام شرکت کرده‌اند باقی گذاشته است. اساس این استدلال این است که باید انتقام جنایت را از جانی گرفت. این بدان معناست که جامعه با نابود کردن مجرم و قاتل و متجاوز، در واقع چشمش را بروی علت و ریشه جرائم و قتل و تجاوز که خود سیستم ناعادلانه و غیرانسانی حاکم است، می‌بندد و با قاتل مقابله به مثل می‌کند. یعنی قتل در برابر قتل. قتل در برابر تجاوز. معلوم نیست که تفاوت کسی که قتل و تجاوزی صورت داده با کسی که از او انتقام می‌گیرد و او را می‌کشد چیست. این در واقع نوع دیگری از افتادن در چرخه آدم‌کشی و انتقام‌گیری است که ریشه در سنت‌های عقب‌مانده و دوران توحش دارد. بیشتر مذاهب و به‌ویژه اسلام مبلغ انتقام هستند و سیاست چشم در برابر چشم را تبلیغ می‌کنند. این سیاست کاملاً و مستقیماً ترویج قتل و جنایت است. بجای اینکه در ذهن کودکان و مردم این سؤال را مطرح کنند که چه شرایطی باعث شده است که فلان جنایت صورت گیرد، یاد می‌دهند که کسی که قتل و تجاوز کرده باید به قتل برسد. باید انتقام گرفت و مقابله به مثل کرد. این بدان معناست که حکومت‌ها با کشتن قاتل صورت مسئله را که خود سیستم حاکم است تماماً پاک می‌کنند و مانع این می‌شوند که علت جرم و جنایت توسط مردم دیده شود.

قتل در برابر قتل، در واقع قاتل در برابر قاتل است. دولتی که قاتل را به قتل می‌رساند از قاتلی که قتلی صورت می‌دهد صدبار کیف‌تر و جانی‌تر است.

۳- اعدام به خاطر درس‌گیری و عبرت مردم

اعدام به خاطر درس‌گیری جامعه از بقیه استدلال‌ات مسخره‌تر و وحشیانه‌تر و از منطبق انسانی تهی‌تر است. اساس این استدلال این است که باید قاتل یا متجاوز یا دزد و فاسد را اعدام کرد تا دیگران یعنی آنها که جرمی هنوز نکرده‌اند، بترسند و ببینند که چنین اقدامات و جنایاتی بی‌پاسخ نمی‌ماند و سرنوشت مجرمین سرنوشت هولناکی خواهد بود. این گویا باعث می‌شود که مردم از انجام جرم و جنایت واهمه و ترس داشته باشند و دست به چنین جنایات و جرم‌هایی نزنند. می‌گویند اگر قاتل و مجرم اعدام نشود، جرم و جنایت افزایش می‌یابد. و برعکس با اعدام، جرم و جنایت کاهش خواهد یافت. اینها قرن‌ها به‌عنوان استدلال‌ات اصلی دولت‌ها و مدافعین اعدام مطرح شده و می‌شود. اما جنایت‌کارانه بودن و بی‌پایه بودن چنین استدلال‌اتی با کمی تعمق کاملاً عیان می‌شود. چه کسی گفته است که مردم آماده جنایت‌اند و باید با ترس آنها را از جنایت منصرف کرد؟ این توهین به شعور و انسانیت کل انسان‌هاست. خوشبختانه تجربه کشورهای مختلف عکس این را نشان می‌دهد. از آن طرف این توهم و یک دروغ تاریخی است که گویا با اعمال مجازات اعدام، قتل و جنایت کمتر می‌شود. در سال‌های اخیر که علم آمارگیری و تجزیه و تحلیل اجتماعی

۱۵۵ کشور را داریم که اعدام را کنار گذاشته‌اند و جرم و جنایت نه فقط افزایش نیافته؛ بلکه کمتر شده است. با آمار و ارقام می‌شود نشان داد که اولاً امکان کنترل افراد خطرناک به‌ویژه در شرایط کنونی که ابزارهای پیشرفته‌ای ایجاد شده، کاملاً وجود دارد. ثانیاً این افراد در اکثر موارد اصلاح‌پذیرند و به‌عنوان انسان‌هایی نرمال می‌توانند به جامعه بازگردند. بعلاوه همیشه دادگاه‌ها در موارد بسیاری احکام اشتباه صادر می‌کنند و این نوع احکام اشتباه در مورد اعدام اشخاص فاجعه‌آمیز و غیرقابل برگشت و جبران است.

اما نکته‌ای که در مورد هزینه نگهداری زندانیان بکار می‌رود قابل مکتب بیشتری است. این حرف به این معناست که حتی اگر امکان این وجود داشته باشد که کسی که جرم و جنایتی کرده اصلاح شود و به جامعه برگردد، به دلیل کم‌خرج‌تر بودن اعدام، باید او را کشت. این استدلال نفرت‌انگیز دولت‌ها و مدافعان اعدام است. این به این مفهوم است که جان انسان‌ها ارزشی ندارد. برای کمتر کردن هزینه نگهداری افراد، به جای اصلاح، آنها را به قتل می‌رسانند. به طور واقعی دولت‌هایی که قانون اعدام را بکار می‌گیرند در کل برای نگهداری و حفظ جان انسان‌ها بودجه‌های بسیار کمتری به کار می‌گیرند تا برای نابود کردن و کشتن آنها. چون که جان انسان‌ها برایشان ارزشی ندارد. برایشان مهم نیست که کسی کشته شود. حتی اگر جرمی نکرده باشد. قضات جمهوری اسلامی نظیر خلیجالی حتی این موضع انزجارآور را علناً اعلام کردند که اگر کسانی اشتباها اعدام شدند مهم نیست؛ چون در آن دنیا به بهشت می‌روند! این اوج تعفن سیاست اعدام و کل این حکومت و اسلامش را بازتاب می‌دهد.

اما در مورد کشتن مجرمین و مصون داشتن جامعه نیز یک جهت‌گیری کاملاً وارونه تبلیغ می‌شود. گویا با اعدام قاتل و تجاوزگر، جامعه بیشتر مصون و محفوظ می‌شود. درست برعکس است. در جامعه‌ای که حکومت رسماً آدم می‌کشد، و مبلغ اعدام و آدم‌کشی، و بی‌ارزش بودن جان انسان‌هاست، طبیعی است که فضا برای قتل و جنایت مهیاتر و آماده‌تر است. سنت اعدام، به‌خودی‌خود به معنای تبلیغ آدم‌کشی است و روان‌شناسی مرگ و قتل در میان مردم است و برعکس ممنوعیت اعدام و دفاع از ارزش زندگی و جان انسان‌ها و تلاش برای دور کردن مجرمین از چرخه قتل و تجاوز، باعث رشد آگاهی جامعه و تقویت ارج‌گذاشتن به جان و زندگی انسان‌ها خواهد شد و فضای جامعه را به‌سوی گسترش انسان‌دوستی سوق می‌دهد. این را تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد.

در تمام کشورهایی که قانون اعدام وجود دارد، جرم و جنایت و قتل و تجاوز وسیع‌تر از کشورهای دیگر است. نمونه‌اش باز همین ایران تحت حکومت اسلامی یا کشورهای مثل عربستان و چین است.

۲- اجرای عدالت با کفردادن مجرمین

در این زمینه جوهر استدلال موافقین اعدام این است که کسی که قتل و تجاوزی کرده به‌رحال باید به سزای اعمالش برسد. "سزای اعمال" بیان دیگری برای تقاص پس‌دادن و





علیه مجازات اعدام
از صفحه ۱۲

علمی رشد کرده، و بعلاوه و مهم تر اینکه در کشورهای متعددی مجازات اعدام کنار گذاشته شده است، کاملاً روشن شده که اعدام مطلقاً و مطلقاً باعث کاهش جرم و جنایت نشده و نخواهد شد. برعکس کشتن انسان‌ها بنام اعدام، همان گونه که اشاره شد مشوق فضای آدم‌کشی و قتل و جنایت است. وقتی که دولت در برابر چشم کل جامعه از جمله کودکان دست به آدم‌کشی می‌زند یکی از تأثیرات مستقیم آن می‌تواند عادی شدن قتل و جنایت باشد. با اعدام ارزش جان انسان در ذهنیت جامعه کمتر می‌شود و اقدام به قتل و مرگ عادی‌سازی می‌گردد. این گفتن تأثیر روانی مستقیمی بر افزایش جنایت می‌گذارد. نه فقط این. بلکه کلاً اعدام مناسبات اجتماعی را عقب می‌کشد. سطح احترام و منزلت انسان‌ها با اعدام و آدم‌کشی تنزل می‌کند و پایین می‌آید. برعکس در جوامعی که اعدام و قتل دولتی وجود ندارد، کسی به راحتی از قتل و جنایت سخن نمی‌گوید. انسان منزلت بیشتری پیدا می‌کند. جان انسان‌ها ارزش بالایی پیدا می‌کند.

چگونه می‌شود مانع ادامه آن شد و چگونه می‌شود کاری کرد که شخص مجرم و قاتل به انسان مفیدی برای جامعه تبدیل شود. نه اینکه برای عبرت و ترس جامعه او را به قتل برسانند.

نتیجه‌گیری

در کل روشن است که اعدام اولاً قتل عمد و نقشه‌مند دولتی است و هدف اصلی همه اعدام‌ها در همه‌جا، سیاسی و برای حفظ نظام ناعادلانه حاکم و جلوگیری از خیزش و اعتراضات مردم است. بدترین جنایت‌کاران آنهايي هستند که بر جامعه به‌زور سرکوب و اعدام حکومت می‌کنند و همین جنایت‌کاران به‌عنوان قاضی و مجری قانون، قربانیان نظام را به‌عنوان جنایت‌کار اعدام می‌کنند. ناهنجاری‌ها و جرم و جنایت در جامعه ریشه در بی‌عدالتی‌ها و محرومیت‌ها و تبعیضات حاکم بر جامعه دارد. نه فقط با اعدام‌های سیاسی بلکه کلاً با پدیده اعدام باید قویاً مخالفت و مقابله کرد. وقتی که معیارها با اعدام در جامعه پایین کشیده می‌شود، دولت‌ها از شرایط پیش‌آمده برای اعدام مخالفین سیاسی خود نیز استفاده می‌کنند. بدون هیچ تامل و تردیدی باید با مجازات اعدام مخالفت کرد و حکومت را با یک جنبش وسیع ضد اعدام به‌زانو در آورد. جامعه‌ای که در آن همچنان قانون اعدام وجود دارد، جامعه‌ای بیمار و عقب کشیده شده است. با لغو این مجازات شنیع و ضدبشری، می‌توان فضای جامعه را گام‌ها جلو کشید و از نفس زندگی انسانی دفاع کرد. یکی از محورهای انقلاب زن زندگی آزادی، خود زندگی است. جنبش دفاع از زندگی و ضد اعدام در ایران بسیار قدرتمند و گسترده است و با گسترش بیشتر آن می‌توانیم این گام تاریخی را برداریم یعنی پرونده اعدام، این توحش عصر حجر را برای همیشه در این جامعه مختومه اعلام کنیم.*

در واقع استدلال پشت مخالفت با اعدام این است که باید تلاش کرد و فهمید که علت قتل و جنایت چه بوده است. مجرمین و قاتلین خود قربانی شرایطی هستند که باعث شده است به مسیر جنایت بیفتند و اگر به آنها فرصت داده شود می‌توانند به افراد مفیدی برای جامعه تبدیل شوند و به جامعه خدمت کنند. این را تجربه کشورهایی که اعدام در آنها کنار گذاشته شده است به‌روشنی نشان می‌دهد.

اما از جنبه دیگری هم استدلال درس‌دادن به جامعه با اعدام، ماهیت غیرانسانی خود را نشان می‌دهد. توجه کنید! انسان یا انسان‌هایی آگاهانه و عاملانه به قتل می‌رسند تا کسان دیگری آموزش ببینند! چه آموزش منطقی و انسانی‌ای! تعمق در این استدلال ناعادلانه بودن و جنایت‌کارانه بودن آن را به‌روشنی نشان می‌دهد. چرا باید با قتل و اعدام به جامعه آموزش داد؟ آن‌هم آموزش قتل نه آموزش دوری از قتل.

اگر توجه شود که این آموزش آدم‌کشی است نه دورشدن از جنایت، آنگاه صورت مسئله عوض می‌شود. صورت مسئله این می‌شود که کسی دست به جنایتی زده و باید تلاش کنیم بفهمیم که چرا این جنایت صورت گرفته و



اطلاعی‌های حزب کمونیست کارگری ایران در هفته اخیر

خیزش‌های مردمی: اطلاعیه شماره ۴۰۴

تظاهرات گسترده مردمی پاسخ سرکوب و اعدام

مرگ بر حکومت اعدامی

در آستانه اول مه حکومت در هراس از برگزاری اول ماه مه آن‌هم در دل اعتصابات گسترده کارگران نفت و گاز و فراخوان‌ها به اعتصابات و اعتراضات سراسری، دستگیری‌ها را شدت داده و شماری از فعالین کارگری و معلمان را احضار کرده است. از جمله روز گذشته تعدادی از معلمان و فعالین اجتماعی که برای دیدار با خانواده محمد حبیبی معلم زندانی به منزل او رفته بودند، دستگیر شدند. اسامی شماری از دستگیرشدگان که به اوین منتقل شده‌اند عبارتند از: کامیار فکور، سروناز احمدی، عسل محمدی، هیراد پیربدایی، آنیسا اسداللهی، ریحانه انصاری‌نژاد، ژاله روح‌زاد، حسن ابراهیمی، حسن محمدی و نسرين بهمن‌پور.

بنا بر گزارشات، خدیجه پاک‌ضمیر همسر محمد حبیبی هم جزء بازداشت‌شدگان بود که شب گذشته آزاد شد. در جریان این بازداشت‌ها سارا سیاه‌پور، اولدوز هاشمی، کبیری و پروین اسفندیاری به دلیل فشار فیزیکی و دچار شدن به وضعیت ناجور جسمانی به بیمارستان منتقل شدند. گفته می‌شود که پروین اسفندیاری مشکل قلبی داشته است. اشاره کنیم که محمد حبیبی به فاصله کمتر از سه ماه پس از آزادی بار دیگر دستگیر شده و به زندان اوین منتقل گردید. بازداشت‌شدگان اخیر نیز بنا به گزارش‌ها به زندان اوین منتقل شده‌اند.

علاوه بر این دستگیری‌ها خبرها حاکی از احضار تعدادی از فعالین معلم و کارگران است. حزب کمونیست کارگری بر آزادی فوری و بدون قید و شرط همه دستگیرشدگان تأکید دارد. احضارها باید متوقف شود، محمد حبیبی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" باید یک شعار سراسری در اول مه روز جهانی کارگر باشد. با قدرت اعتراضات سراسری خود تمامی زندانیان سیاسی را آزاد می‌کنیم.

بنا بر گزارشات در آستانه اول مه جمعی از زنان تهران و کرج در حمایت از روز جهانی کارگر و پیوند با جنبش زن زندگی آزادی و با در دست داشتن دست‌نوشته‌هایی که شعار زن زندگی آزادی در آنها برجستگی داشت به استقبال روز جهانی کارگر رفتند.

همچنین در ادامه فراخوان‌های گسترده به اعتراضات سراسری، کول‌بران مناطق کردنشین غرب کشور نیز طی بیانیه‌ای بر گرامی‌داشت اول مه تأکید کرده و اعلام کردند: "روز دوشنبه یازدهم اردیبهشت‌ماه مصادف با روز جهانی کارگر در محکومیت ظلم جمهوری اسلامی علیه این قشر جامعه به خیابان‌ها خواهیم آمد".

بدین ترتیب کل جامعه با اعتصاب و اعتراضات گسترده خود به استقبال روز جهانی کارگر می‌رود.

بنا به یک گزارشات روز گذشته در ادامه جمعه‌های اعتراض و در ادامه انقلاب، مردم بار دیگر در زاهدان به خیابان آمدند و علیه حکومت شعار دادند. مردم شعار می‌دادند: "بسجی سپاهی داعش ما شمایی"، "خامنهای حیا کن، مملکتو رها کن"، "آزادی، آزادی، آزادی"، "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر دیکتاتور" و "زن، زندگی، آزادی".

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ اردیبهشت ۱۴۰۲، ۲۶ آوریل ۲۰۲۳

خیزش‌های مردمی: اطلاعیه شماره ۴۰۵

از فراخوان بازنشستگان به تجمعات اعتراضی برای ۲۶ اردیبهشت

حمایت می‌کنیم

بازنشستگان تأمین اجتماعی برای ساعت ده صبح روز هفده اردیبهشت به تجمعات سراسری در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری خواست‌هایشان در مقابل ادارات تأمین اجتماعی فراخوان داده‌اند. بازنشستگان تأمین اجتماعی یک بخش فعال و معترض در اعتراضات کارگری هستند و از نقش‌آفرینان روز جهانی کارگر امسال بودند. بازنشستگان با اعتراض به مصوبه مزدی شورای عالی کار با خواست لغو آن و با تأکید بر افزایش حقوق‌ها به بالای سبد هزینه ۲۵ میلیونی، درمان رایگان و پایان دادن به اختلاس‌ها و دزدی‌ها و امنیتی کردن مبارزات، صدای اعتراض کل جامعه را بازتاب می‌دهند. حزب کمونیست کارگری قاطعانه از این فراخوان اعلام حمایت می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۲، ۵ مه ۲۰۲۳

خیزش‌های مردمی: اطلاعیه شماره ۴۰۶

تجمع بازنشستگان در سه شهر، و حمایت گسترده از فراخوان

معلمان برای تجمع

روز یکشنبه هفده اردیبهشت بازنشستگان تأمین اجتماعی در اراک، کرمان و شوش بنا به فراخوان از قبل اعلام شده در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری خواست‌هایشان مقابل تأمین اجتماعی تجمع کردند. در شوش بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش، کرخه و هفت‌تپه همراه با خانواده‌هایشان برگزار شد. بازنشستگان شعار می‌دادند: "بازنشسته بیدار است از استعمار بیزار است"، "بازنشسته داد بزن، حقو فریاد بزن"، "خواسته بازنشسته، حقوق طبق تورم".

بازنشستگان تأمین اجتماعی یک بخش فعال و معترض در اعتراضات کارگری و در کل جامعه هستند. بازنشستگان نقش مهمی در برگزاری روز جهانی کارگر در چندین شهر داشتند و از نقش‌آفرینان روز جهانی کارگر امسال بودند. اعتراض به مصوبه مزدی شورای عالی کار با خواست لغو آن و تأکید بر افزایش حقوق‌ها به بالای سبد هزینه ۲۵ میلیونی، درمان رایگان و پایان دادن به اختلاس‌ها و دزدی‌ها و امنیتی کردن مبارزات، صدای اعتراض کل جامعه را بازتاب می‌دهند. حزب کمونیست کارگری قاطعانه از خواست‌ها و مبارزات بازنشستگان حمایت و پشتیبانی می‌کند.

همان‌طور که قبلاً اعلام کرده‌ایم معلمان برای روز نوزده اردیبهشت در اعتراض به حملات شیمیایی به مدارس دخترانه و بازداشت همکاران خود و پیگیری دیگر خواست‌هایشان فراخوان به تجمعات سراسری داده‌اند. این فراخوان با حمایت وسیعی روبرو شده است. از جمله شورای بازنشستگان ایران از این فراخوان اعلام حمایت کرده است.

یک اتفاق مهم در روز گذشته دیدار خانواده جان‌باختگان شهر سنندج و دهگلان با خانواده جان‌باختگان شهر دیواندره و حضور بر سر مزار

جانباختگان و بلندکردن صدای جنبش دادخواهی است.

اعتراضات هزاران کارگر پروژه‌های نفت ادامه دارد. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت کارگران پروژه‌های پایینگ و واحدهای دیگر ایستگاه تقویت فشار گاز اردستان و دهشیر نیز روز شنبه ۱۶ اردیبهشت با تخلیه کارگاه به اعتصاب پیوستند.

بنا بر خبرها هیراد پیردقایی، فعال کارگری و ژاله روحزاد معلم بازنشسته که در هشتم اردیبهشت در دیدار با خانواده محمد حبیبی معلم زندانی بازداشت شده بودند با قید وثیقه آزاد شدند. اما ریحانه انصاری نژاد، آیشا اسداللهی، سروناز احمدی، عسل محمدی، کامیار فکور، و حسن ابراهیمی، از دیگر بازداشت‌شدگان آن شب هنوز در زندان هستند. تمامی این دستگیرشدگان، بازداشت‌شدگان انقلاب و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند.

امروز همچنین پرسنل فوریت‌های پزشکی قزوین در اعتراض به عدم پرداخت معوقات و فوق‌العاده خاص و ناعادالتی در اجرای تعرفه خدمات پرستاری و سطح نازل حقوق‌ها تجمع کردند. در تبریز نیز کادر اورژانس ۱۱۵ در اعتراض به وضع بد معیشتی خود و فشار سنگین کاری و برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲، ۷ مه ۲۰۲۳

خیزش‌های مردمی: اطلاعیه شماره ۴۰۷

تجمعات بازنشستگان مخابرات، بیانیه ۶ زندانی سیاسی علیه اعدام‌ها و خبری دیگر

روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت بازنشستگان مخابرات همچون هفته‌های گذشته در شهرهای تهران، اصفهان، اردبیل، رشت، خرم‌آباد، اراک، کرمانشاه، اهواز و شهرکرد تجمع و اعتراض کردند. این تجمعات در اعتراض به فقر و گرانی و وضع بد معیشتی و بالاکشیدن حق و حقوق بازنشستگان توسط سهام‌داران عمده مخابرات و نهاد چپاولگر موسوم به "ستاد اجرایی فرمان امام" صورت گرفت. در تهران از صبح زود نیروهای امنیتی و انتظامی در اطراف ساختمان وزارت ارتباطات مستقر و داخل پارک اندیشه را کاملاً قُرق کرده بودند و مانع از شکل‌گیری تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات شدند. در نتیجه شماری از بازنشستگان که برای تجمع به محل آمده بودند بازداشت به داخل ماشین‌های ون منتقل شدند. بنا بر خبرها هفت نفر از بازنشستگان مخابرات در محل پارک اندیشه و به کلاتری خیابان نیلوفر منتقل شدند. در اهواز بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند.

بازنشستگان مخابرات در اعتراضات امروز خود از جمله شعار می‌دادند: "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، و "تا حقمون نگیریم، هر روز همین بساطه"، "وعده وعید کافی، سفره ما خالیه".

بنا بر خبرها الدور هاشمی، حسن چرتابی و عسل محمدی که در هشتم اردیبهشت در دیدار با خانواده معلم زندانی محمد حبیبی در هشتم اردیبهشت بازداشت شده بودند با قرار وثیقه آزاد شدند. اما ریحانه انصاری نژاد، آیشا اسداللهی، سروناز احمدی، کامیار فکور، و حسن ابراهیمی، از دیگر بازداشت‌شدگان آن شب هنوز در زندان‌اند. تمامی این بازداشت‌شدگان، و دستگیرشدگان انقلاب و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند.

حکومت اسلامی به اعدام‌ها شدت داده است. در هفته‌ها و روزهای اخیر چندین نفر از زندانیان در شهرهای مختلف اعدام شدند. این اعدام‌ها خشم و نفرت همه مردم را برانگیخته است. در اعتراض به این موضوع شش زندانی سیاسی زن از زندان اوین به اسامی گل‌رخ ایرایی، زهره سرو، نسرين جوادی، سپیده قلیان، بهاره هدایت و نرگس محمدی در بیانیه‌ای اعدام‌های گسترده در شهرهای مختلف ایران را محکوم کردند. آنها نوشتند: "تداوم و سرعت‌بخشیدن به اجرای احکام اعدام در روزهای اخیر، تلاش حکومت برای سرکوب مردم و ایجاد ترس و وحشت است... این اعدام‌ها "اعمال خشونت عریان" برای نمایش "قدرتی پوشالی" است که "سست بودنش بر مردم ایران و جهان عیان شده است". امضاکنندگان این بیانیه بر افزایش صدور احکام اعدام به "تهامات افساد فی‌الارض و محاربه" و اجرای آن در سراسر ایران از سیستان و بلوچستان، خوزستان، آذربایجان، کردستان تا تهران اشاره کرده و "اعدام، کشتار و مردم‌کشی توسط حکومت استبدادی" را محکوم کرده و خواهان توقف سریع آن شده‌اند. در بخش دیگری از این بیانیه چنین آمده است: "حکومت با سرکوب مردم و ایجاد رعب و وحشت از طریق کشتن راه به جایی نخواهد برد و محکوم به فناست". امضاکنندگان این بیانیه از مجامع بین‌المللی و رسانه‌های جهانی خواسته‌اند که با حمایت گسترده از مردم و فشار بر جمهوری اسلامی "مانع تداوم خشونت حکومتی شوند و به تحقق اراده مردم ایران یاری رسانند". آنها می‌نویسند: "جنبش انقلابی "زن زندگی آزادی" تبلور اراده مردم برای پایان‌دادن به حکومت استبداد دینی است". درود بر امضاکنندگان این بیانیه و همه زندانیان سیاسی! با اعتراضات سراسری و گسترش جنبش سرنگونی باید جلوی اعدام‌ها را گرفت.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۲، ۸ مه ۲۰۲۳

سایر اطلاعیه‌های حزب

ترور حسین مهدی‌پور معلم مبارز را شدیداً محکوم می‌کنیم

روز ۱۴ اردیبهشت یکی از معلمان معترض در سیستان و بلوچستان بنام حسین مهدی‌پور توسط باندهای ناسازی ترور شد و بنا به گزارش شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان این معلم معترض به دنبال این ترور متأسفانه جان باخته است. جان‌باختن این معلم را به خانواده و دوستان و بستگانش و همه مردم تسلیت می‌گوییم.

حسین مهدی‌پور از معلمان مبارز در سیستان و بلوچستان بود که مدیریت کانال تلگرامی "مطالبات فرهنگیان" را که با اعتراضات معلمان در ارتباط بود، بر عهده داشت. او پیش‌تر توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شده بود و پس از بازداشت تا مدتی خانواده او از محل بازداشت و نگهداری‌اش بی‌خبر بودند و بعداً آزاد شد.

تاکنون دستگاه انتظامی حکومت اسلامی درباره سوءقصد و کشته‌شدن این معلم و فعال حقوق فرهنگیان گزارش و توضیحی ارائه نکرده‌اند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان این جنایت را شدیداً محکوم کرده و در بیانیه خود از اداره آموزش و پرورش منطقه دشتیاری و آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان خواستار "پیگیری فوری" کشته‌شدن این معلم شده است. این شورا همچنین از دادستانی شهرستان دشتیاری و استان سیستان و بلوچستان خواستار "شناسایی، معرفی و مجازات" عاملان این جنایت شده است.

همه شواهد حکایت از این دارند که عامل قتل حسین مهدی‌پور حکومت

در همدان در بنری نوشته شده: "ما امنیت نداریم. نه امنیت شغلی، نه امنیت روحی، نه امنیت برای اعتراض به اختلاس، تورم، گرانی، فساد، بیکاری، تبعیض، معیشت، منزلت، سلامت و...". معلمان با چنین بنرهایی جوهر اصلی اعتراض و خواست‌هایشان را بیان می‌کنند و این صدای اعتراض همه مردم است. در تجمعات معلمان همچنین دست‌نوشته‌هایی با محوریت خواست‌های معلمان قابل توجه بود.

در سندج معلمان به دلیل وجود صدها نیروی ضدشورش حکومت در خیابان اکباتان نتوانستند در یک جا تجمع کنند. آنها به چندین گروه تقسیم شده بودند که گروهی از آنان در خیابان طالقانی مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گرفتند. اما علی‌رغم همه این سرکوبگری‌ها معلمان دست به تظاهرات زده و با شعارهای معلم زندانی آزاد باید گردد، زن زندگی آزادی صدای اعتراضشان را بلند کردند. بنا بر خبرها دو نفر از معلمان در این شهر توسط نیروهای سرکوبگر دستگیر شدند که تا کنون هویت آنها مشخص نشده است. در اسلام‌آباد غرب فریاد معلم زندانی آزاد باید گردد بلند بود.

در شیراز تجمع معلمان مورد حمله نیروهای سرکوب قرار گرفت و معلمان با آنها با فریاد و اعتراض مقابله کردند.

ترور حسین مهدی‌پور از معلمان معترض در دشتستان سیستان و بلوچستان، اعتراض به ادامه حملات جنایت‌کارانه شیمیایی به مدارس، دستگیری‌ها و احضارها و تشدید فضای امنیتی در آموزش و پرورش، اختلاس‌ها و دزدی‌ها و از جمله به فروش گذاشتن برخی مدارس و اختلاس‌ها از صندوق ذخیره فرهنگیان از جمله موضوعات اعتراضی اعلام شده معلمان در این تجمعات و اعتراضات بوده است. معلمان اعلام کرده‌اند که خط‌قرمز آنها دانش‌آموزان هستند و پایان یافتن حملات شیمیایی به مدارس و امنیت دانش‌آموزان و آموزش رایگان، باکیفیت و غیرایدئولوژیک و غیرکالایی از جمله خواست‌های معلمان است.

به مناسبت تجمعات امروز، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران قطعنامه‌ای منتشر کرده که در آن بر عمده‌ترین رئوس خواست‌های معلمان تأکید شده است. از جمله خواست‌های اعلام شده در این قطعنامه عبارت‌اند از: اجرای دقیق قانون مدیریت خدمات کشوری برای شاغل و بازنشسته که بتواند بهبودی در وضع معیشتی آنها ایجاد کند، آموزش باکیفیت و امنیت مدارس به‌ویژه برای دختران دانش‌آموز، آزادی بی‌قیدوشرط همه فعالین در بند، و رهاسازی مدرسه و نظام آموزشی از سیطره ایدئولوژی تمامیت‌خواه حاکم که آموزش را از سرشت طبیعی خود تهی نموده است.

تجمعات اعتراضی امروز معلمان پاسخ محکمی به سرکوبگری‌های حکومت و قدمی مهم در جهت پیگیری خواست‌هایشان است. معلمان صدای اعتراض همه مردم هستند و شایسته بیشترین حمایت‌ها هستند.

گفتنی است که فراخوان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان با حمایت اجتماعی قابل توجهی روبرو شده از جمله تشکل‌های و جمع‌هایی از دانشجویان، تشکل‌های کارگری و بازنشستگان نظیر شورای بازنشستگان ایران و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از این فراخوان اعلام پشتیبانی کردند. بعلاوه ما شاهد موجی از همبستگی‌ها در مدیای اجتماعی از سوی نهادهای مختلف کارگری و بخش‌های مختلف جامعه از معلمان بودیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲، ۹ مه ۲۰۲۳

آدمکش اسلامی است که هر روز با اعدام‌ها و جنایاتش جان شماری از مردم را می‌گیرد. با موجی از اعتراضات و گسترش مبارزه در سراسر کشور علیه حکومت منفور اسلامی باید به این جنایت ضدانسانی پاسخ داد. حکومت اسلامی یک نیروی خونخوار و ضدبشری است که زیر فشار اعتراضات مردمی به سرانسیب سقوط افتاده و با ترور و دستگیری و اعدام تقلا می‌کند چند صباحی دیگر خود را سراپا نگه دارد. اما قطعاً با نفرت و انزجار و خیزش‌های گسترده‌تری پاسخ خواهد گرفت.

نابود باد حکومت اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۲ - ۵ مه ۲۰۲۳

اعتصاب کارگران راه‌آهن کرمان، کاشی اصفهان، شهرداری بندر امام و بهشت‌زهرای تهران

روز ۱۹ اردیبهشت کارگران و کارکنان خط و ابنیه فنی راه‌آهن کرمان در ادامه اعتراضاتشان به سطح نازل حقوق‌ها و قراردادهای برده‌وار کاری به اعتصاب خود ادامه دادند. بنا بر خبر کارگران خطوط و ابنیه فنی از بافق تا بم در اعتصاب هستند. در این بخش ۴۰۰ کارگر با شرکت رضوان درود، کار می‌کنند.

امروز همچنین کارگران کاشی اصفهان در اعتراض به وضع بد معیشتی خود دست از کار کشیده و تجمع کردند.

در این روز کارگران شهرداری بندر امام نیز در اعتراض به گرانی‌ها و سطح نازل حقوق‌ها و شرایط کاری خود دست به اعتصاب و تجمع زدند.

تجمع اعتراضی دیگر در این روز از سوی کارگران بهشت‌زهرای تهران به‌خاطر سطح نازل حقوق‌ها و وضع بد معیشتی‌شان انجام گرفت.

گرانی و تورم، سطح نازل حقوق‌ها و بی‌تامینی موضوعات سراسری اعتراضات کارگران در سطح جامعه است. "فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی" یک شعار اعتراضی مردم در انقلاب زن زندگی آزادی است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲، ۹ مه ۲۰۲۳

۱۹ اردیبهشت: تجمعات سراسری معلمان برگزار شد

معلم زندانی آزاد باید گردد

روز نوزده اردیبهشت و در پی فراخوان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان، در شهرهای مختلف معلمان در اعتراض به سرکوبگری‌های حکومت و برای پیگیری مطالباتشان تجمعات اعتراضی بر پا کردند. گزارشات تا کنونی گویای تجمعات معلمان در شهرهای شوش، اراک، اهواز، هرسین، قزوین، همدان، تربت‌حیدریه، شاداب کرمانشاه، کرمانشاه و اسلام‌آباد است.

در این تجمعات عکس‌هایی از معلمان زندانی در دست تجمع‌کنندگان توجه‌ها را به خود جلب می‌کرد و معلمان معترض با در دست داشتن بنرهایی که خواست‌هایشان بر روی آن‌ها نوشته شده، صحنه‌های جالبی از اعتراض را شکل داده‌اند. بر روی این بنرها از جمله نوشته شد: "به امنیتی‌کردن مبارزات پایان دهید"، "آموزش رایگان حق فرزندان ایران"، "مصونیت دانش‌آموزان دختر باید تأمین گردد"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "نه به کالایی شدن آموزش"، "جای معلم زندان نیست"، "آزادی بی‌قیدوشرط معلمان"، "آموزش باکیفیت".

۱۹ اردیبهشت: گزارش تکمیلی از تجمعات سراسری معلمان در

پیش از ۲۰ شهر

حملات شیمیایی محکوم باید گردد

همانطور که گزارش کردیم از ساعت ده صبح امروز نوزده اردیبهشت معلمان در پی فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، در اعتراض به سرکوبگریهای حکومت و برای پیگیری مطالباتشان در شهرهای متعددی تجمعات اعتراضی بر پا کردند. لیست تا کنونی شهرهایی که در آنها تجمع بر پا شده عبارتند از: جلفا، تاکستان، بجنورد، شوش، سنندج، آبدانان، رشت، سقز، اراک، اردبیل، لنگرود، اهواز، هرسین، تاکستان، شیراز، قزوین، همدان، تربت حیدریه، شاداب کرمانشاه، کرمانشاه، اصفهان و اسلام آباد.

در سقز معلمان شاغل و بازنشسته علیرغم سرکوب شدید نیروهای امنیتی، بستن درب و خیابان های منتهی به اداره آموزش و پرورش حضور حداکثری داشتند و خواستهای خود را فریاد زدند.

در کرمانشاه معلمان در تجمع خود با شعارهای معلم زندانی آزاد بایدگردد، حملات شیمیایی محکوم باید گردد، مهدی پور روح شاد، روح شاد، اعتراض خود را به سرکوبگریها و جنایات رژیم اعلام داشتند.

بنا بر گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در این روز عاتکه رجبی که به منظور شرکت در تجمع معلمان در شهر مشهد از خانه خارج شده بود بازداشت شد. عاتکه رجبی در اعتراض به سرکوب دانش آموزان معترض در جریان اعتراضات اخیر اعتصاب غذا کرده بود و پس از آن از آموزش و پرورش اخراج شد. عاتکه رجبی، دستگیر شدگان اعتراضات امروز، دستگیر شدگان انقلاب و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲، ۹ مه ۲۰۲۳

۲۰ اردیبهشت: تجمع بازنشستگان، و گسترش

اعتراضات معلمان به ۳۰ شهر

روز چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان و مستمری بگریان تأمین اجتماعی اهواز در ادامه اعتراضاتشان به فقر و بی‌تامینی و شرایط بد معیشتی و برای پیگیری مطالبات خود مجدداً مقابل اداره کل تأمین اجتماعی خوزستان تجمع کردند. بازنشستگان در این تجمع اعتراضی با دست گرفتن بنر "زندگی بالای خط فقر حق مسلم ماست" و سردادن سرود "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی، مرگ بر این بردگی" صدای اعتراض خود را به فقر و بی‌تامینی و بردگی و توحش حاکم بلند کردند. بازنشستگان شعار می‌دادند: "کو مهار تورم، دروغ می‌گین به مردم"، "سفره بازنشسته، حالی تر از همیشه" و "درمان رایگان، حق مسلم ماست".

بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه هستند و خواست‌های سراسری مردم از جمله درمان رایگان و رفاه برای همه را نمایندگی می‌کنند. تجمع بازنشستگان تأمین اجتماعی در چندین شهر در یکشنبه هفده اردیبهشت، تجمعات بازنشستگان مخابرات در هجدهم اردیبهشت و تجمعات سراسری معلمان در نوزدهم اردیبهشت فضای اعتراضی گسترده و مداوم در جامعه علیه فقر و گرانی و بی‌تامینی در شهرها را بازتاب می‌دهد. این اعتراضات فضا را برای به میدان آمدن بیشتر مردم مهیا کرده و زمینه ادامه انقلاب را فراهم می‌آورد. از این اعتراضات باید وسیعاً حمایت کرد.

گفتنی است که بنا بر خبرهای تکمیلی اعتراضات سراسری معلمان در روز گذشته نوزدهم اردیبهشت ۳۰ شهر را در بر گرفت. شهرهایی که در آنها تجمعات بر پا شد عبارتند از: تهران، ساری، الیگودرز، شهرکرد، جلفا، تاکستان، بجنورد، شوش، سنندج، آبدانان، رشت، سقز، اراک، اردبیل، لنگرود، اهواز، هرسین، تاکستان، شیراز، قزوین، همدان، تربت حیدریه، کازرون، یاسوج، بابل، بهمنی، کرمانشاه، مشهد، اصفهان و اسلام آباد.

در تهران همه اطراف مجلس تا چندصد متری نیروی سرکوب مستقر بود. ون‌های فراوانی برای بازداشت معلمان آورده بودند. سرکوبگران اجازه تردد در پیاده‌روی جلوی مجلس و سازمان برنامه را نمی‌دادند. در مشهد نیز معلمان بازنشسته تجمع داشتند که با گاز اشک‌آور مأمورین سرکوب حکومت روبرو شدند و بعد به داخل ساختمان آموزش و پرورش روانه شدند و در آنجا معلمان با شعار "معلم زندانی آزاد باید گردد" صدای اعتراضشان را بلند کردند. سطح نازل حقوق‌ها، حملات جنایت‌کارانه شیمیایی به مدارس دخترانه، ترور حسین مهدی‌پور در دشتستان سیستان و بلوچستان، دستگیری‌ها و سرکوبگری‌های حکومت، کالایی شدن آموزش، اختلاس‌ها و دزدی‌ها از جمله محورهای اعتراضی معلمان است.

معلمان با اعتراضاتشان سد محکمی در مقابل سرکوبگری‌های حکومت و صدای اعتراض همه مردم هستند و باید مبارزاتشان وسیعاً پشتیبانی شود. معلمان زندانی، بازداشت‌شدگان انقلاب و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

روز ۲۰ اردیبهشت کارگران شهرداری بندر خور موسی در اعتراض به وضعیت معیشتی و خواست‌های پاسخ نگرفته خود اعتصاب کرده و دست به راهپیمایی زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۲، ۱۰ مه ۲۰۲۳

قتل تکان‌دهنده ۱۰ سوخت‌بر طی ۴ روز در سیستان و بلوچستان

بنا بر خبرها طی چهار روز گذشته؛ یعنی از تاریخ ۱۷ اردیبهشت تا کنون دستکم ده سوخت‌بر با شلیک مستقیم مأموران نظامی و تعقیب گریز جاده‌ای جان خود را از دست داده‌اند. یکی از این قربانیان یک کودک ۷ ساله است. اسامی این قربانیان عبارت‌اند از: ۱- یوسف ریگی (کشانی)، ۱۷ ساله، کودک سوخت‌بر، ۲- محمد ریگی (کشانی)، ۳- محمد کرمانی (جمالزایی)، ۴- ابراهیم براهویی، ۵- یاسین نارویی، ۶- فیض محمد تاهل گریکان، ۷- یارمحمد آسکانی، ۸- امین‌الله گرگیچ، ۹- ذبیح‌الله گرگیچ، ۱۰- نصیر دینارزهی

ننگ و نفرت بر آدمکشانی که هر روز در این جامعه دست به جنایت می‌زنند و مردمی را که برای تأمین فقیرانه‌ترین معاش دست به سوخت‌بری و کولبری می‌زنند، بی‌رحمانه کشتار می‌کنند. حزب کمونیست کارگری به خانواده‌ها و بستگان و دوستان این عزیزان تسلیت می‌گوید.

جمهوری اسلامی بر سرعت و ابعاد آدمکشی‌اش شدت داده است. در ادامه اعدام‌ها و خبر ترور معلم معترض حسین مهدی‌پور در سیستان و بلوچستان، اکنون خبر از کشتار سوخت‌بران رسانه‌ای می‌شود. حکومت توحش اسلامی دارد از مردم معترض سیستان و بلوچستان انتقام می‌گیرد.

حزب کمونیست کارگری همه مردم در استان سیستان و بلوچستان را به همبستگی با خانواده‌های سوخت‌بران جان‌باخته و اعتراض علیه این جنایت و اعدام‌ها و نسل‌کشی‌های حکومت جنایت‌کار در این کانون داغ انقلاب فرامی‌خواند. حزب مردم در تمام شهرها را به همبستگی با مردم سیستان و

بلوچستان و حمایت از مبارزات آنان فرامی خواند.

سراسیمه سقوط است که از سر وحشت می کشد تا مگر زنده بماند. طناب دار برای جمهوری اسلامی آن "ریسمان الهی" است که در آخرین لحظات حیات ننگینش مایوسانه به آن چنگ می زند. حتی خود جانان حاکم نیز می دانند که این نسل کشی ها و قتل های عامدانه دولتی مردم را در مبارزه برای رهایی از شر جمهوری اسلامی مرعوب و متوقف نخواهد کرد که به عکس آتش خشم و انزجار و اعتراض مردم ایران و جهان را بیش از پیش دامن خواهد زد. این اعدام ها عزم تک تک میلیون ها کارگر و معلم و دانشجو و بازنشسته و فعالین جنبش رهایی زن و جنبش دادخواهی و غیره و همه مردم به جان آمده از سندج و زاهدان و تهران تا مشهد و شوش و آبادان و تا برلین و استکهلم و ونکوور را بیش از پیش جزم خواهد کرد تا جمهوری کثیف اسلامی را همراه ریسمان الهی اش برای همیشه به خاک سپارند.

ما مردم سراسر ایران و همه ایرانیان ساکن خارج کشور را فرامی خوانیم که متحد و یک صدا علیه اعدام و نسل کشی به اعتراض برخیزند و به خیابان بیایند. ما کارگران و معلمان و دانشجویان و بازنشستگان و دانش آموزان را فرامی خوانیم تا در اجتماعات و اعتراضات فریاد خود علیه اعدام و حکومت اعدام را رساتر کنند. از تظاهرات های خیابانی و شعارگویی شبانه تا اعتراض به اعدام در کلاس درس مدارس و در اجتماعات اعتراضی دانشجویی تا اعتراض در فضای مجازی و تویتر و اینستاگرام و تا اجتماع در برابر زندان و جلوگیری از اعدام در همه جا باید یک صدا اعلام کرد که ما جمهوری اسلامی اعدام و نسل کشی را سرنگون خواهیم کرد!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۲، ۱۰ مه ۲۰۲۳

سیستان و بلوچستان یک کانون داغ انقلاب است و لحظه ای اعتراضات در آن توقف نداشته است. مردم در زاهدان با تجمعات و شعارهایشان علیه صدسال جنایت در این جامعه به پا خاسته اند و مورد حمایت همه مردم در سراسر کشور قرار دارند. نابود باد حکومت آدمکشان اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۲، ۱۱ مه ۲۰۲۳

جمهوری اسلامی اعدام و نسل کشی را سرنگون خواهیم کرد!

چند روز گذشته جمهوری اسلامی چوبه های دار و صدور احکام اعدام را از جمله در زاهدان و اراک و تهران و سندج و کرج بالا برده و دست به جنایاتی فاشیستی زده است. دنیا دارد می بیند که جنایت کاران اسلامی حاکم بر ایران انسان ها را به جرم اعتقاد داشتن، به جرم خداناباوری و یا توهین به پیغمبر، به جرم اعتراض داشتن و مخالف بودن اعدام می کنند.

این جنایات پرونده فی الحال سیاه سران جمهوری اسلامی در ارتکاب به جنایت علیه بشریت، نظیر قتل عام زندانیان سیاسی در دهه شصت، شلیک عامدانه به هواپیمای مسافری، اسیدپاشی عامدانه به صورت زنان، حمله شیمیایی به دختران و پسران دانش آموز و غیره را فقط سیاه تر و سنگین تر خواهد کرد. ما از جانب مردم ایران و همه خانواده های داغدار اعلام می کنیم که شما آدم کشان اسلامی را نه فقط از قدرت به زیر خواهیم کشید؛ بلکه تک تک آمران و عاملان این جنایات را در هر کجا که باشند به پای میز محاکمه دادگاه های مردمی و علنی در پیشگاه جهانیان خواهیم کشید.

این اعدام و نسل کشی وحشیانه و سراسیمه آخرین تقلاهای رژیم در



**نابود
باد
حکومت
اسلامی!**

فراخوان کمک مالی به حزب

لیست چهارم کمک‌ها ۴ مه ۲۰۲۳

در پاسخ به فراخوان حزب برای جمع‌آوری ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی برای تأمین بخشی از نیازهای مالی حزب، در چهار هفته اول معادل ۱۰۸۳۱۰ دلار جمع‌آوری شد.

از تمام عزیزانی که به فراخوان حزب پاسخ دادند صمیمانه قدردانی می‌کنیم. کمپین مالی یک ماه حزب به هدف اعلام شده خود که جمع‌آوری صد هزار دلار در عرض یک ماه بود دست‌یافت اما نیاز حزب برای گسترش فعالیت‌های خود بسیار فراتر از این است. از همه

لیست ۴

مصطفی صابر ۵۰۰۰ دلار کانادا (جمع ۱۵۰۰۰ دلار کانادا)	عطیه نیک‌نفس ۱۰۰ یورو
الیور ملورز ۱۰۰۰ دلار کانادا	احسان اکبرزاده ۱۰۰ یورو
برگ سبز ۵۰۰ دلار کانادا	راضیه و شمه صلواتی ۱۰۰ یورو
زندگی زیبا ۵۰۰ دلار کانادا	عبه کریمی ۱۰۰ یورو
خه بات مجید ۵۰۰ دلار کانادا	فرزانه درخشان ۱۰۰ یورو
رضا امین ۲۰۰ دلار کانادا	ماریلا دوست کشکولی ۵۰ یورو
افشین عنایت ۱۵۰ دلار آمریکا	فرانک فرخی ۴۰ یورو
سولماز علیزاده ۱۵۰ دلار کانادا	پویا دولت یاری ۳۰ یورو
شهاب آرام ۱۱۰ دلار کانادا	چیا و فاطمه ۳۰ یورو
حمید میمناتی ۱۰۰ دلار کانادا	دوست هلندی عطیه ۴۰ یورو
فرخ زندی ۱۰۰ دلار کانادا	فرنیک دوست هلندی عطیه ۲۰ یورو
مهرداد امیری ۱۰۰ دلار کانادا	طغراقره گوزلو ۱۰ یورو
رزاق زهرایی ۱۰۰ دلار کانادا	خاطره محرم نژاد ۱۰ یورو
نیما - ی ۱۰۰ دلار کانادا	نرگس قناعت ۱۰ یورو
به یاد نوید افکاری ۱۰۰ دلار کانادا	لیلا قناعت ۱۰ یورو
اسد. م ۱۰۰ دلار کانادا	حمیدرضا ایوبی ۲۰ یورو
حمیدرضا عشقی ۱۰۰ دلار کانادا	امیر ۲۰ یورو
مسعود رئوف ۱۰۰ دلار کانادا	رزا ۱۰ یورو
سرگل احمد و کاوه عمر ۱۰۰ دلار کانادا	خالد احدی ۱۰ یورو
دوست کاوه عمر ۱۰۰ دلار کانادا	سارا آوردیخانی ۵۰ یورو
عزیز بختیاری ۵۰ دلار کانادا	سعید اعتضادزاده ۲۰ یورو
عظیم کوهستانی ۵۰ دلار کانادا	جمال گلحسینی ۵۰ یورو
کاووس صوفی ۵۰ دلار کانادا	بهروز نقشی ۲۰ یورو
کاوه اسماعیل پور ۵۰ دلار کانادا	تیمور امجدی ۱۰۰ یورو
ایرج آبشار ۵۰۰ دلار کانادا (جمع ۱۵۰۰ دلار کانادا)	کیوان الله‌وردی علی ۱۰۰ یورو
سلیمان سیگارچی ۳۰۰ دلار کانادا	نوید محمدی ۵۰ یورو
رضا دانش ۲۴۰ دلار کانادا	اول مه فرانکفورت ۲۵ یورو
سینا تورنتو ۱۰۰ دلار کانادا	ندا و امین ۱۰ یورو
خاطره آذرفر ۱۰۰ دلار کانادا	میلاد رسائی منش ۲۰۰۰ کرون (جمع ۷۰۰۰ کرون)
افشین مرادی ۲۰۰ دلار کانادا	ناتالی ۱۰۰۰ کرون
جمعی از دوستان حزب از آمریکای شمالی ۸۰۰۰ دلار آمریکا	یونس گوتنبرگ ۱۰۰۰ کرون
کیارش کی ۱۰۰ دلار کانادا (جمع ۱۶۰۰ دلار)	غریبه حسینی ۵۰۰ کرون
شایان. م ۱۰۰ دلار کانادا	شادی چاریاف ۳۰۰ کرون
آزاد اقبالی ۲۰ دلار کانادا	آرش مهدی فر ۲۰۰ کرون
حسن ادوین ۲۰ دلار کانادا	امید مهدی فر ۵۰۰۰ کرون
پیام آذر و فریبا ۵۰۰ یورو	ابی ۶۰۰ کرون
حسین فرانسه ۱۰۰ یورو	علی معنوی ۲۰۰ پوند
حمید رحیم پور ۱۰۰ یورو (جمع ۳۰۰ یورو)	محمد قهرمانی ۵۰ یورو
شایسته طاهرخانی و حیدر گوبلی ۱۰۰ یورو	فرید محمدی ۵۰ یورو
	بهروز کاسل ۲۰ یورو

برای پرداخت کمک‌های خود می‌توانید از طریق

شماره حساب‌های زیر

و یا از طریق تماس با تشکیلات‌های حزب اقدام نمایید.

شماره حساب‌ها و تلفن‌های تماس:

سوئد:

Sweden

NordeaPlusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیسی و از هر کشور دیگر:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج: سیامک بهاری ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی: بابک یزدی ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳



فاطمه قدوسی ۲۰ یورو

فروزنده ۲۵ یورو

سپیده کشکولی ۱۵۰ یورو

آسو عبدی‌نژاد ۱۰۰ یورو

ندا علایی ۱۰ یورو

صبح درزمان ۱۵۰ یورو

آواسالاری ۳۰ یورو

امید مهدی فر ۵۰۰۰ کرون

ناهید اقبالی ۲۵۰۰ کرون

مرتضی حبیبی ۲۰۰ کرون

الهام کشتگر ۱۰۰ کرون

ارسلان امجدیان ۱۰۰ کرون

منیر فرامرزی ۱۰۰ کرون

رضا اکبری ۵۰۰ کرون

از ایران

مهلی بازنشسته تأمین اجتماعی - اراک ۵۰۰۰۰۰۰ هزار تومان

کیان کارگر نفت ۱۰۰۰۰۰ تومان

یاشار سهندی ۷۰ دلار کانادا

رضا ۵۰ دلار کانادا

محمود ۵۰ دلار کانادا

نسترن ۱۰۰ کرون

جمع لیست ۴

۲۱۳۹۰ دلار آمریکا

جمع کل کمک‌ها در چهار هفته گذشته

۱۰۸۳۱۰ دلار آمریکا



anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpIran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر میشود

<https://www.facebook.com/wpIran>

تلگرام: https://t.me/wpi_hkki

<https://www.wpiran.org/>

<https://www.instagram.com/wpi91>

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین؛



newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های؛

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com